Political Capacities of Quran Contemplation in Thoughts of Ayatollah Khamenei

Mahdi Esmaeli Sadrabadi *
Assistant Professor, Vali-e Asr University of Rafsanjan, Iran
Seyed Mohammad Mousavi
PhD candidate of Quran and Hadith, Kashan University, Iran
Sara Heidari
MA, Quran and Hadith, Allameh Tabatabaei University, Iran

Abstract
The process of the interpretation of the Holy Quran can be viewed from different perspectives. There are certain principles and methods for interpretation which are called the science of interpretation. The purpose of the current study is to identify the political capacity of Quran's interpretation based on contemplation in thoughts of Ayatollah Khamenei. Employing a descriptive-analytic method, this article examines the element of contemplation in speeches and comments of Ayatollah Khamenei. Since the approach adopted by Ayatollah Khamenei in understating the Quran is a social and civilization-based one, systematization is the fundamental basis in his thoughts. Ayatollah Khamenei looks at the verses of the Quran politically and socially and, using some verses of al-Hajj Surah, described saying prayer, donating Zakat, and promoting virtue and preventing vice as three important factors which contribute to the systematization. A desired political system, in view of Ayatollah Khamenei, is one that is based on divinity and Islam in which spirituality as well as the mundane world are two key elements. In Ayatollah Khamenei's interpretive thoughts, a legitimate political system is the one which follows Islam and Shia school of thought based on Velyat-e Faqih. Parameters like faith and piety should be also taken into account by leaders and rulers of an Islamic society so that people and officials can grow and reach salvation under the leadership of such a leader.
Keywords: Quran, contemplation, political interpretation, politics, Ayatollah Khamenei.

* Email: Esmaeili.sadr@gmail.com (Corresponding Author)

فصلنامهٔ علمی پژوهنامه فقه و علوم اسلامی
مقالهٔ پژوهشی، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۲، پاییز ۱۴۰۱، صفحات ۱۰۷ تا ۱۴۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

ظرفیت‌های سیاسی تدبر قرآنی در منظومه فکری آیت‌اللّه‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

| **مهدی اسماعیلی صدرآبادی*** | استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ولی عصر(عج) رفسنجان، دانشکده علوم انسانی حضرت نرجس
| **سیدمحمد موسوی** | دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان
| **سارا حیدری** | کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

عملیات تفسیر قرآن در زوایای مختلف همواره پیگیری و برای آن اصول، روش، مبانی و قواعدی تنظیم شده و به‌صورت علوم تفسیری بیان گشته‌اند. در این بین تفسیر سیاسی به‌مثابه گرایشی نوبنیاد در عصر حاضر مستلزم بحث و سازمان‌دهی جدید است. برای ساماندهی تفسیر سیاسی، مفسران بر پایه مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی به فهم قرآن کریم می‌پردازند. استنطاق از قرآن به مفسران سیاسی این فرصت را می‌دهد نظرات و الگوهای هماهنگ با مسائل اجتماعی- سیاسی را تئوریزه کنند و در اختیار جامعه قرار دهند. لازمه چنین اقدامی مهارت در فهم قرآن و روش‌مندی در نحوه تلقی از آیات قرآن است. از آنجا که عنصر تدبر در بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری بسیار مشهود می‌باشد و از نگاه ایشان با دوگانه تلاوت - تدبر در قرآن، می‌توان فهمی شگرف از آیات قرآن در تمامی ساحت‌ها به‌دست آورد؛ شناخت ظرفیت سیاسی تفسیر تدبری قرآن در منظومه فکری آیت‌الله خامنه ای برای این جستار هدفی ارزشمند خواهد بود. به همین روی این جستار با هدف مزبور و از رهگذر روش توصیفی- تحلیلی به بررسی عنصر تدبر در افاضات مقام معظم رهبری پرداخته و به مطالب پیش‌رو به‌عنوان نتایج تحقیق تأکید می‌کند: نخست از آنجا که رویکرد مقام معظم رهبری در فهم قرآن کریم رویکردی اجتماعی - تمدنی می‌باشد، نظام‌سازی رکن بنیادین و مبنای اساسی در اندیشه ایشان مطرح شده است. نظام‌سازی در ساحت‌های گوناگونی

---

* نویسندهٔ مسئول؛ ***Email:*** Esmaeili.sadr@gmail.com

انجام می‌شود و عالی‌ترین سطح آن نظام حکومتی می‌باشد. دوم؛ آیت‌الله خامنه‌ای به آیات قابل‌توجهی از قرآن با نگاه سیاسی - اجتماعی توجه کرده و با استمداد از بعضی آیات سوره مبارکه حج، اقامه نماز، ایتاء زکات، امر به معروف و نهی از منکر را مثلث نظام‌ساز می‌دانند. سوم؛ نظام سیاسی مطلوب و مطمح‌نظر آیت‌الله خامنه‌ای نظامی است که بر پایه اصول الهی- اسلامی بنیان نهاده شده باشد و در آن معنویت و مادیت آحاد جامعه توأمان با هم لحاظ شود؛ ازاین‌رو در اندیشه تفسیری ایشان، نظام سیاسی مشروع، نظامی است اسلامی از نوع شیعی و بر پایه رهبری ولی فقیه با رعایت شاخص‌هایی همچون علمیت، ایمان و تقوا که توسط رهبر و حاکم جامعه هدایت شود و مسئولان و کارگزاران و مردم در تحت رهبری چنین رهبر الهی به رشد و تعالی برسند.

واژگان کلیدی: قرآن، تدبر، تفسیر سیاسی، سیاست، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (زید عزه).

مقدمه

قرآن در میان آثار اسلامی جایگاه بی‌بدیلی دارد و شاخص‌ترین منبع در تفکر اسلامی به‌حساب آمده و آیات آن با رویکردی ژرف به مسائل سیاسی - اجتماعی توجه داشته است (سیدباقری، ۱۳۹۴: ۱۶). نواندیشان دینی به‌ویژه قرآن‌گرایان، ضمن تأکید به روش‌های سنتی تفسیر قرآن، کوشیدند به فهم جدیدی از قرآن برسند که گسسته از آرای قرآن‌پژوهان پیشینی باشد. گروهی با این فرض که تضادی بین علم و دین اسلام نیست، فهمی متفاوت از پیشینیان ارائه دادند که نتایج سیاسی مختلفی در پی داشت.

افرادی نظیر سید احمد خان هندی در تفسیرالقرآن و هو الهدی و الفرقان، جواهرالطنطاوی در الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، یدالله سحابی در خلقت قرآن و مهدی بازرگان در باد و باران، با لحاظ تأکید قرآن بر تدبر از یک‌سو و با درنظر گرفتن جامعیت قرآن از طرفی دیگر، برپایی نظام سیاسی را با بازگشت مجدد به قرآن امکان‌پذیر دانستند. در گذر زمان این مسیر با اتخاذ روش‌های جدید پیموده شد و در ضمن آن پرسش‌های نوینی در عرصه سیاسی به محضر قرآن عرضه گردید. اینان کوشیدند به‌دنبال پاسخ روزآمد از درون قرآن کریم باشند. توجه به وقایع سیاسی و صورت‌بندی آن‌ها و عرضه به قرآن و پاسخ‌خواهی از آن، نگرشی است که شهید صدر از آن به تفسیر موضوعی قرآن تعبیر می‌کند (صدر، ۱۳٦۹: ٥٤/۱).

از دیگر سو مسلم است قرآن به موضوعات سیاسی اشاره داشته است همچون:

- تنظیم رفتار سیاسی در روابط داخلی و خارجی (مائده: ۸)
- مواجهه با سیاست‌های مالی و اقتصادی (توبه: ۵۹)
- عدالت در رهبری و حکمرانی (نساء:۵۸)

- پیوستگی دین و سیاست (بقره: ۲٤٦ و ۲٤۷)
- مشورت در امور حکومتی(نمل: ۳۲)
- مرجعیت واحد در امر رهبری جامعه (نمل:۳۳)
- حق‌محوری در سیاست‌های نبرد با دشمنان (نساء: ۷٤ـ۷٦)
- توجه ویژه به مبارزان سیاسی (بقره: ۲۷۳)
- اصل عزت، در روابط سیاسی- اقتصادی (آل عمران: ۲۸)
- مدیریت سیاسی جامعه (نساء: ۸۳)

این دسته از اشارات قرآن به مسائل سیاسی، نشان می‌دهد می‌توان از مسیر تدبر در قرآن به‌دنبال پاسخ‌هایی از قرآن به مسائل روزآمد سیاسی گشت. علاوه‌بر این، وجود رخدادهای جدید در عالم سیاست از یک طرف و جامعیت قرآن از جهتی دیگر، مسیر را برای ارائه پرسش‌های جدید از محضر قرآن و دریافت پاسخ روزآمد از رهگذر تدبر امکان‌پذیر می‌کند؛ زیرا قرآن می‌فرماید «**تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْءٍ**» (نحل: ۸۹). قرآن مجموعه رهنمودها و دستوراتی است که اگر آن گفته‌ها و دستورات نباشد، انسان به تکامل نمی‌رسد (ایازی، ۱۳۸۰: ۱۸). ازاین‌رو قرآن ظرفیت پاسخگویی به حوائج انسان در تمامی عرصه‌ها به‌طور خاص مسائل سیاسی را داراست. در روایات نیز تأسی به آیات قرآن و مددخواهی از آن در ساحت‌های گوناگون بازتاب داده شده است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام با شناخت دقیقی که از آیات قرآن دارند، به ما دستور داده‌اند در مشکلات خود از قرآن مدد بگیرید؛ چراکه علم آینده، اخبار گذشته، درمان‌های دردهای بشر و راه سامان بخشیدن به زندگی فردی و اجتماعی شما در قرآن نهفته شده است. «**أَلَا إِنَّ فِیهِ عِلْمَ مَا یَأْتِی وَ الْحَدِیثَ عَنِ الْمَاضِی وَ دَوَاءَ دَائِکُمْ وَ نَظْمَ مَا بَیْنَکُمْ**» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۸). از دیدگاه امیرمؤمنان قرآن راهنمایی است که خیانت نمی‌کند، هدایت‌گری می‌باشد که گمراه نمی‌سازد و سخنگویی است که دروغ نمی‌گوید. «**وَ اعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِی لَا یَغُشُّ وَ الْهَادِی الَّذِی لَا یُضِلُّ وَ الْمُحَدِّثُ الَّذِی لَا یَکْذِبُ**» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷٦).

به همین روی در عصر حاضر دانشیان قرآن‌پژوه با آغاز تشکیل حکومت اسلامی در ایران، نیاز به تفسیر سیاسی از قرآن را بیش از پیش احساس کردند. شناخت حوزه شهروندی و حکمرانی، تعیین حقوق شهروندی و ادای تکالیف حکومت‌ها، تدبیر حیات سیاسی جامعه، حدود و ثغور وظایف حکومت اسلامی در عصر غیبت، بهره‌مندی از فلسفه سیاسی حکمرانی همچون تأمین مشروعیت حکومت اسلامی، نیازمند طراحی بر محور تشریعات قرآنی است. ایشان باور دارند تفاسیر سیاسی،

زیرساخت‌های قرآنی جامعه را طرح‌ریزی کرده و با ارتقای توانمندی بدنه سیاسی جامعه، برداشتی صحیح از قرآن برای رفع و رجوع مسائل سیاسی فراهم می‌آید. به همین روی رهبر حکیم انقلاب اسلامی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای(مدظله‌العالی) با لحاظ اینکه اسلام عزیز با هدف سعادت بشر در تمامی شئون فردی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی شناخته می‌شود (جوادی‌آملی به نقل از بهشتی و میرزایی‌تبار، ۱۳۹۵: ۵۴)، به ارائه تفسیری معتبر از قرآن با اتجاه سیاسی- اجتماعی پرداخته‌اند. چون بدون تفسیر سیاسی متقن از قرآن آسیب‌های اساسی فکری متوجه نظام اسلامی می‌شود. همچنین دفاع علمی و مستدل از دین و تثبیت انگاره پیوند دین و سیاست مستلزم شناخت ساختار اندیشگی قرآن است.

ازاین‌رو این پژوهش با هدف شناخت ظرفیت‌های سیاسی تفسیر تدبری قرآن و انعکاس تعالیم اندیشه‌محور مقام معظم رهبری به مفهوم‌شناسی تفسیر سیاسی، ارزیابی مکتب تفسیری امام خامنه‌ای، مبانی روشی تفسیر تدبری ایشان، مبانی خاص او در تفسیر سیاسی قرآن، روش و گرایش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته تا از این رهگذر به پاره‌ای از ابعاد ظرفیت سیاسی تفسیر تدبری قرآن در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای اشاره کند و مسیر را برای محققان و متفکران مسلمان برای تحقیق و تتبع در این زمینه پژوهشی بگشاید.

۱ - پیشینه تحقیق

چندی است پیرامون تدبر در قرآن مجید از زوایای گوناگون و با رویکردهای نوینی پژوهش‌ها و تحقیقات انجام پذیرفته است. سابقه این نوع موضوع در برخی کشورهای عربی طولانی‌تر و وسیع‌تر می‌باشد. در ایران نیز استادانی همچون احمدرضا اخوت، ولی‌الله نقی‌پورفر، محمدحسین الهی‌زاده، موسوی‌گرمارودی، علی صبوحی، عبدالعلی بازرگان و ... در حوزه زمینه‌ها، کلیدها، اصول، شیوه‌ها، مراحل، چیستی تدبر در قرآن نگاشته‌های ارزشمندی تدوین کرده‌اند. همچنین در مقالاتی اکادمیک نیز به مقوله تدبر در قرآن پرداخته شده و از زوایای گوناگونی به این مقوله پرداخته‌اند. برای نمونه به مقالاتی از این دست اشاره می‌شود:

۱- مقاله بازکاوی تدبر در قرآن، حسن رهبری، پژوهش‌های قرآنی، ش ۴۹، ۵۰، ۱۳۸۶: ۲۶۰-۲۹۷.

۲- مقاله تعارض میان «روایات منع از تفسیر به رأی» و «لزوم تدبر در قرآن» از نگاه فیض کاشانی و علامه طباطبایی، عبدالله‌زاده آرانی، رحمت‌الله، نشریه پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۳۹۲، شماره ۱، ۱۲ صفحات ۸۷ تا ۹۸. نگارنده در این پژوهش کوشیده است به تبیینی درخور از روایات «منع از تفسیر به رأی» و «ضرب آیات به آیات» و عدم تعارض بین این‌گونه روایات از یک‌سو و «ادله تدبّر در قرآن» از سوی دیگر و از نگرگاه فیض کاشانی و علامه طباطبایی بپردازد.

۳- روش‌شناسی راهبردهای تدبر در قرآن کریم: استقرائی از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای مدیریت اسلامی در دهه اخیر، لطیفی، میثم، نشریه اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۳۹۰، شماره ۱۰ (علمی- پژوهشی)، ۳۲ صفحات ۲۵ تا ۵۶. در این نگاشته نگارنده به ارزیابی راهبردهای تدبر در قران پرداخته و به‌عنوان نتیجه تحقیق راهبرد تدبر در قرآن را فرایند واحدی ندانسته، بلکه براساس هدف و مسئله پژوهش، تسلط و مهارت و زمانِ در اختیار پژوهشگر می‌توان راهبردهای متمایزی را استخدام کرد. در نهایت اینکه اعتبار پژوهش‌های تدبر در قرآن، موضوعی می‌باشد که در این مقاله با تأکید بر دو محور اتقان و افاده و سؤالات متناظر و روش‌های ارزیابی آن‌ها، بررسی شده است.

مسئله برداشت‌های سیاسی از آیات قرآن در تاریخ امامیه از دیرباز مطرح بوده است تا اینکه شیخ محمد نجفی در کتاب جواهرالکلام مسئله ولایت فقیه را به‌صورت جدی مطرح کرد (جواهرالکلام: ١٦/ ١٧٨). ملا احمد نراقی در کتاب «عوایده‌الایام» به این مسئله پرداخته و نوزده روایت را برشمرده که در آن‌ها از فقها با عناوین چون ورثة الأنبیاء، امناء الرسل خلیفة رسول الله، حصون الاسلام و یاد شده است (ولایی، عیسی مبانی سیاست در اسلام، ۲۵۵). لیستی (اصول کافی، ۱: ٦٧) در روایات بسیاری ازجمله مقوله این جمله را یادآور شده است، مبنی بر اینکه برای اختلاف کسی را انتخاب کنید که حدیث ما را روایت می‌کند، حلال و حرام را می‌شناسد و احکام ما را می‌داند. باید به حکمیت او راضی شوید، چون من چنین کسی را بر شما حاکم قرار دادم.

امام خمینی با نگرش کلامی نسبت به ولایت فقیه، آن را با دلیل عقلی و کلامی شکوفا کرد. وی مبحث ولایت فقیه را از قلمرو فقه بیرون آورد. ولی فقیه را جانشین امام معصوم معرفی نمود. ولایت فقیه را از مهم‌ترین احکام الهی شمرد و آن را بر جمیع احکام فرعی مقدم داشت. امام در این رابطه حکومت را فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت دانست که در برخورد با جمیع معاهدات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، براساس مصلحت و مفسده و با تکیه بر دو عنصر زمان و مکان، ضروری است.

مفسران قرن اخیر نیز چون شیخ محمد عبده، سیدمحمدرشید رضا در تفسیر المنار، سیدقطب در فی ظلال القرآن، سیدمحمدحسین طباطبایی در المیزان، شهید سیدمحمد باقر صدر در نگاشته‌های گوناگون نظیر عناصر المجتمع فی القرآن الکریم بناء المجتمع الاسلامی، سیدمحمود طالقانی در تفسیر پرتویی از قرآن هر کدام به‌صورت استطرادی به معارف اجتماعی- سیاسی توجه کرده‌اند و به تناسب به طرح مختلف بحث‌های دامنه‌داری پیرامون دیدگاه قرآن درباره اجتماع، سیاست، اقتصاد و فرهنگ و ... پرداخته‌اند. افزون بر این مقام معظم رهبری در کتاب طرح اندیشه

اسلامی در قرآن و زندگی در آیینه نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی آیات قرآن را با گرایش سیاسی و اجتماعی مورد مطالعه قرار داده‌اند.

جدای از این تفاسیر، کتاب‌های متعددی به‌عنوان تک‌نگاری و نیز تفسیر موضوعی در این حوزه نگاشته شده است، ازجمله: حقوق و سیاست در قرآن از محمدتقی مصباح‌یزدی و سیاست و حکومت در قرآن، کاظم قاضی‌زاده.

با توجه به آنچه از نظر گذشت و با توجه به تتبع و جستجویی که در آثار پیشینی انجام پذیرفت، پژوهش درباره **تفسیر تدبری قرآن در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای و** با هدف شناسایی **ظرفیت‌های سیاسی قرآن از رهگذر تدبر** در آیات کلام الهی مسبوق به سابقه نبوده است؛ ازاین‌رو این نوشتار مقوله‌ای نوین و در نوع خود جزئی و دارای رهیافتی جدید در حوزه مطالعات قرانی می‌باشد.

۲- مفهوم‌شناسی

مهم‌ترین مفاهیمی که پیگیری تحقیق به فهم آن‌ها وابسته است، تبیین می‌شوند:

۲-۱- مفهوم لغوی تدبر

الف: ماده: تدبر از ماده «دبر» برخلاف «قبل» به معنی پشت و پشت سر اشیا، (التحقیق، ۳/ ۱۷۳؛ لسان‌العرب/ ۲٦۸؛ صحاح، ۲/ ٦۵۳) پایان و آخر (فرهنگ ابجدی/ ۳۳) و زاویه (تاج‌العروس،۱۱/ ۱۳٦) آمده است. تدبر یعنی: نگریستن به عاقبت و آخر آن کار و تأمل و فکر کردن در آن (قاموس، ۲/ ۳۲٦، التحقیق، ۳/ ۱۷۳) و **هوالنظر فی ادبار الامور و تأملها** (مجمع‌البحرین،۳/ ۲۹۸) تدبر امر، افتادن به‌دنبال آن (العین، ۸/ ۳۳؛ الصالح،۲/ ٦۵۳) و فکر و نظر و تفکر در عاقبت امور است (صحاح، ۲/ ٦۵۳) و نیز به‌معنای چاره‌جویی، تنظیم، اداره کردن (فرهنگ ابجدی/ ۲۳) و وضع مقدمات (تفسیر سورآبادی، ۳/ ۲۱۳۱) آمده است. التدبیر یعنی التفکر فی دبر الامور (المفردات، ۱/ ۳۰٦).

ب: هیأت در باب تفعل برای مطاوعه و دریافت «تفعیل» می‌باشد. پس تدبر حصول مفهوم تدبیر است. تدبیر؛ یعنی: پشت سر هم چیدن حکیمانه و تدبر دریافت آن چینش می‌باشد.

۲-۲- مفهوم اصطلاحی تدبر در قرآن

تاکنون تعاریف متنوعی از آن ارائه شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- تفکر و تأمل در قرآن (متدولوژی تدبر در قرآن: بازرگان).
- ترتیل و تلاوت راستین قرآن (پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن: نفی پورفر).
- تفسیر صحیح ظاهر و باطن (تدبر در قرآن: بهبودی).

- کشف هماهنگی بین آیات و کشف موضوع سور (علامه طباطبایی، بی‌آزار شیرازی و حجتی در تفسیر کاشف و بستانی در تفسیر بنایی قرآن).
- مهندسی کلان سوره‌ها طبق ترتیب مصحف - تدبر بین سوره‌ها.
- فهم روش‌مند و هماهنگ ظاهر قرآن کریم.

این تعاریف هیچ‌کدام به‌تنهایی کامل و جامع نیستند و می‌توان با توجه به همه آن‌ها این‌گونه گفت که: تدبر در قرآن، تفسیر صحیح ظاهر و باطن قرآن به‌همراه کشف هماهنگی بین آیات و موضوعات سور می‌باشد.[1]

۲-۳- مفهوم تدبر در قرآن

ماده «دبر» ٤٤ بار و به ۱۱ صورت در قرآن استعمال شده که ٤ مورد آن به تدبر در قرآن برمی‌گردد (النساء، ٤/ ۸۲؛ ص، ۳۸/ ۲۹؛ محمد، ٤۷/ ۲٤). توصیه به تدبر در قرآن و دقت در معنای مطاوعی آن نشانگر وجود تدبیر و چینش حکیمانه در قرآن است. ویژگی کلان خداوند در گرو تدبیر ویژه آن می‌باشد؛ چون کلمات قرآن ویژه آن نبوده و بر زبان همه عرب‌ها جاری بوده و هست. مفسران و نویسندگان علوم قرآنی در معنا و مفهوم تدبر در قرآن بسیار نگاشته‌اند، اما از وادی تعریف لغوی چندان پا فراتر نگذاشته‌اند و بیشتر واژه‌های مترادف، متعلق، تفکر، تذکر و تفقه را به‌کار برده‌اند. برخی تفاسیر، تدبر را تفکر و اندیشیدن در معانی قرآن معنا کرده‌اند، مانند «**بیان‌السعاده**» (بیان‌السعاده، ۱/ ٦۲۳) و «جوامع‌الجامع» (جوامع‌المجامع، ۱/ ۱۰۲) و «تبیین القرآن» (تبیین‌القرآن، ۱/ ۱۰۲) و «منهج‌الصادقین» (منهج‌الصادقین، ۳/ ۷۹) و «کنزالدقائق» (کنزالدقائق، ۳/ ٤۸٤) و «کشاف» (الکاشف، ۱/ ٥٤۰) و ... و برخی نیز بین آن دو فرق قائل شدند و مانند «التبیان» (التبیان، ۳/ ۲۷۱) شیخ طوسی و «روض‌الجنان» (روض‌الجنان، ٦/ ۳۲) ابوالفتوح رازی و «تفسیر نمونه» (تفسیر نمونه، ٤/ ۲۸) و ...

علامه در المیزان می‌فرمایند: تدبر یعنی گرفتن چیزی از چیز دیگری است و در مورد آیات قرآن به‌معنای تأمل در آیه پس از آیه دیگر و یا تأمل می‌باشد (المیزان، ۲٦/٥) و به تفاوت آن دو اشاره نمی‌کنند.

در «روح‌المعانی» آلوسی آمده است: اصل تدبر تأمل در ادبار امور و عواقب آن است و برای تأملی کارکرد دارد که آن به حقیقت شیء و اجزای آن و یا سوابق و اسباب آن یا لواحق و اعقاب آن نظر انداخته می‌شود (روح‌المعانی، ۳/ ۸۹).

ابن عاشور در ذیل آیه ٦۸ سوره مؤمنون، تدبر را چنین معنا کرده است: «**التدبر اعمال النظر العقلی فی دلالات الدلائل علی ما نصبت له و اصله انه من النظر فی دبر الامر**. و اینکه کافران

در قرآن تدبر می‌کردند، حق بودن قرآن را از دلالت اعجاز و صحت اغراض آن درک می‌کردند. ولی تفسیر نمونه تدبر را از ماده دبر به معنی بررسی نتایج و عواقب چیزی می‌داند، به‌عکس تفکر که بیشتر به بررسی علل و اسباب چیزی گفته می‌شود (تفسیر نمونه، ٤/ ٢٨).

جلال‌الدین سیوطی هم در «الاتقان» پیرامون تدبر آورده است: تدبر و اندیشیدن در معنای قرآن سنت می‌باشد؛ زیراکه همان مقصود اعظم و مطلوب اهم است و به‌وسیله آن سینه‌ها فراخ گشته و دل‌ها نورانی می‌شود. خداوند می‌فرماید: «**کتاب انزلناه الیک مبارک لیبروا آیاته ...**» (ص: ۳۸/ ۲۹)، چگونگی تدبر بدین‌گونه است که دلش را با اندیشیدن در معنای آنچه تلفظ می‌کند مشغول دارد و معنای هر آیه را بشناسد و در اوامر و نواهی تأمل کند و باور آن‌ها را به‌خاطر بسپارد که اگر در گذشته در آن تقصیر کرده عذرخواهی و استغفار کند و اگر به آیه رحمتی رسید، خرسند شده و آن را از درگاه الهی درخواست کند و چون به آیه عذاب بگذرد ترسناک گشته و به خداوند پناه برد و هرگاه آیه‌ای متضمن تنزیه پروردگار باشد، او هم تنزیه و تعظیم کند و وقتی به آیه دعایی برسد تضرع و طلب نماید (الاتقان: ۱/ ٣٤٥).

۲-۳-۱- نسبت تفسیر و تدبر

اگر ما قرآن را مانند قانون اساسی درنظر بگیریم تفسیر مانند تبدیل قانون اساسی به جزئیات و آئین‌نامه‌های اجرایی است. اما تدبر فهمیدن قانون اساسی می‌باشد. پس تدبر فهم قرآن است و تفسیر استنباط از قرآن می‌باشد. برای فهم آشنایی با عربی یا آشنایی با ترجمه، آشنایی با تاریخ اسلام و باور به قرآن کفایت می‌کند، ولی برای استنباط حکم از قرآن و تولید علم و دستیابی به پیامدهای تازه از قرآن تفسیر لازم است و نیازمند به اجتهاد. تدبر وظیفه‌ای همگانی می‌باشد و تفسیر نیازمند اجتهاد است. قید «هماهنگی» در تدبر می‌تواند مواردی مانند تفکر، تفسیر و تأویل را از حیطه تدبر خارج کند؛ زیرا در تدبر دو مطلب هم‌عرض با هم مقایسه می‌شود و سعی در فهم هماهنگ آن‌هاست. اما در تفکر، تفسیر و تأویل رابطه طولی دو مطلب سنجیده می‌شود، نه هماهنگی آن‌ها در عرض یکدیگر.[۲]

تدبر با تأثیر بر قلب و وجود آدمی همراه است، ولی تفسیر با استدلالات عقلی آمیخته می‌باشد و با مغز سروکار دارد. افزون بر این تفسیر تدبری در قرآن از سنخ تفسیرهای مختصر قرآن نیست که در همه آیات مطالب و نکات خود را عرضه کند و یا هدفش توضیح و تفسیر ساده تمام آیات باشد. تدبری در قرآن، تنها به آیات و کلماتی می‌پردازد که به‌نظر مفسر محقق آن در نظر مفسران دیگر اشتباه شده، ازاین‌رو گرچه به همه ابعاد آیات و کلمات نمی‌پردازد، اما نکات و دقایق و ظرایف بسیاری را

مطرح کرده و شیوه و مبانی تفسیری وی در همین دسته از مطالب متفاوت قابل‌شناسایی است و از این جهت می‌توان گفت کار جدید و قابل‌استفاده‌ای می‌باشد.

۲- ٤- تفسیر سیاسی

لغت سیاست از ریشه «سوس» دارای دو اصل معنایی است (لسان العرب: ٦/ ۱۰۷). نخست به‌معنای «**العُثّة التی تقع فی الثیاب و الطعام**» (فراهیدی: ۷/ ۳۳۵؛ مجمع‌البحرین: ٤/ ۷۸). شپشکی که بر روی لباس و غذا قرار می‌گیرد. همین معنا در کلام عرب استعمال شده است: «سَاسَ الطَّعَام» (مصباح‌المنیر: ۲/ ۲۹۵) و دوم «**سُسْتُ الرعیّة و سُوِّسَ الرجلُ أمورَ الناس إذا مُلِّکَ أمرهم**» (الصحاح: ۳/ ۹۳۸). به‌معنای کسی است که تدبیر امور رعیت را برعهده گیرد. البته برخی لغت‌دانان آن را به‌معنای خُلق و سجیه دانسته‌اند (تاج‌العروس: ۸: ۳۲۱).

برخی لغویون با ژرف‌نگری فرق بین سیاست و تدبیر را چنین تبیین کرده‌اند: فرقی که بین سیاست و تدبیر وجود دارد، آن است که سیاست همان نظر دقیق در امور می‌باشد، درحالی‌که تدبیر به‌معنای توجه به عاقبت و نهایت امور است. در تدبیر نوعی از عاقبت‌اندیشی وجود دارد و به همین جهت تدبیر مستمر و دائمی سیاست است و مادامی‌که ژرف‌اندیشی و عاقبت‌بینی کثرت یابد و افزون شود، دقت و توجه بیشتری در امور نیاز می‌باشد. بنابراین سیاست همان تدبیر مستمر است و به تدبیر مقطعی و کوتاه سیاست گفته نمی‌شود. ازاین‌رو هر سیاستی تدبیر است و هر تدبیری سیاست نیست (الفروق فی اللغه: ۱۸٦).

سیاست در اصطلاح علمی است که از روابط فی‌مابین شهروندان بحث می‌کند (جواد طباطبایی، زوال اندیشه سیاسی ایران: ۲۲) و نیز به فرایندی گفته می‌شود که شهروندان به اخذ تصمیم جمعی همت می‌گمارند (امرائی، مهندسی سیاست: ۱۸). همچنین گفته شده است سیاست، کنشگری اجتماعی می‌باشد که با حفظ نظم در عقیده‌ها درصدد است با استمداد از قهر و زور، امنیت بیرونی و تفاهم درونی واحد سیاسی خاصی را فراهم کند (فروند، سیاست چیست؟: ۲۱۳).

با وجود آنکه فرایند تفسیر قرآن دارای پیشینه قابل‌توجهی است و در زمینه‌های مختلف همچون روایی (فاکر می‌بدی، ۱۳۹۱)، فقهی (قطب‌الدین راوندی، ۱٤۰۵)، فلسفی (فلاح‌پور، ۱۳۸۹)، تنزیلی (بهجت‌پور، ۱۳۹۲)، عرفانی (می‌بدی، ۱۳۷۱) و ... آثار فراوانی نگاشته شده و لیکن با وجود حوائج برآمده از تشکیل حکومت اسلامی، تفسیر قرآن با گرایش سیاسی تا عصر حاضر مغفول مانده و به‌صورت دقیق مورد مطالعه و ساماندهی قرار نگرفته است.

از مباحث اساسی در حوزه تفسیر سیاسی تعریف جامع و مانع از این نوع تفسیر می‌باشد، چون از لحاظ پیشینه کمتر به مباحث تفسیر سیاسی پرداخته شده است. تفسیر سیاسی با وجود ضرورت فراوان آن در جهان اسلام نه‌تنها به‌صورت جدی به آن پرداخته نشده است، بلکه تعریف ثابت و جامعی نیز از آن ارائه نشده است؛ البته مسامحتاً بعضی آثار همچون نقش جریانات سیاسی بر تفسیر و مفسران در زمان پیامبر، صحابه و تابعین اثر علیرضا رستمی یا کتبی همچون تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر به این بحث توجه داشته‌اند، ولیکن از جهت فقدان مبانی و اصول منقح و قواعد منضبط در مباحث تفسیر سیاسی، بیانی دقیق و روشمند از تفسیر سیاسی بیان نشده است (عابدی، ۱۳۹۶: ۵ – ۲۸). با عنایت به قلمرو تفسیر سیاسی و مقوله‌های متعدد مؤثر بر آن، بعضی باورمندند تفسیر سیاسی قرآن یک نوع گرایش علمی از تفسیر به‌حساب می‌آید. این دسته از عنوان‌های اعتباری از مباحث اجتماعی شاخه گرفته‌اند، ازاین‌رو در تعریف این مفهوم به‌دنبال اعتبارات اجتماعی، مسیری ناصحیح است. این نحوه برخورد با مباحث تفسیر سیاسی به‌دلیل اینکه جوامع بشری در یک فرایند و چرخه تاریخی قرار می‌گیرند و در طول زمان افراد گوناگون با رویکردها و گرایش‌ها و اتجاهات مختلفی پا به عرصه اجتماع می‌گذارند، هویت ایشان نیز با مبانی معرفتی مخصوص به خودشان دچار تغییر و تحول می‌شود؛ ازاین‌رو نمی‌توان یک تعریف رسمی از این مباحث ارائه کرد، با وجود این می‌توان توجه داشت که با استفاده از اقوال و آرای دیگران و نیز با درنظر گرفتن مبانی معرفتی یکایک ایشان، تعریفی مناسب از این‌گونه هویت‌ها ارائه کرد (حسنی، ۱۳۹۲: ۲۰ – ۲۱).

در اثر علمی با عنوان «مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن»، تفسیر سیاسی بدین‌شکل تعریف شده است: «در تعریف تفسیر گفتیم که مفسر باید دنبال غرض و مقصود آیات باشد، نه صرف معنای آن‌ها. سیاست نیز در حالت‌های گوناگون تبیین شد. در اینجا در ترکیب تفسیر سیاسی هر دو تعریف و هر دو معنای سیاست را درنظر می‌گیریم. پس سطح نخست تفسیر سیاسی، تفسیر آیات قرآن برای فهم مسائل علوم سیاسی و مسائل علم سیاست و مسائل فن سیاست می‌باشد و حقیقت و درجه والای تفسیر سیاسی آن است که اغراض و مقاصد سیاسی کل قرآن و یکایک آیات از دیگر اغراض جدا شود که مفسر بتواند این اغراض را تبیین کند. به سخن آشکارتر غرض و مقصود بعضی آیات، به‌صورت روشن و بعضی به‌صورت نیمه‌روشن به تبیین و اصلاح و بنیان‌گذاری برنامه‌های سیاسی اسلام مربوط می‌شود و تفسیر وظیفه دارد این اغراض سیاسی را به‌خوبی شناسایی کرده و شرح نماید تا اسلام را آخرین دین الهی و دینی که دارای نظام سیاسی و تمامی امور لازم برای اداره یک جامعه است، به جهان معرفی کند. این فهم سیاسی از قرآن می‌تواند در سطوح، روش‌ها، قالب‌ها و مصداق‌های گوناگون بیان شود؛ ازاین‌رو بررسی این مصادیق به افزایش تبیین و روشنگری مفهوم

تفسیر سیاسی می‌انجامد» (حسنی، ۱۳۹۲: ۳۹). بر پایه نگاهی که این اثر از تفسیر سیاسی ارائه می‌دهد، تفسیر سیاسی در حقیقت تفسیری است که غرض از نگارش آن در قدم نخست فهم مباحث سیاسی و در قدم دوم شرح و تبیین مقاصد و مدالیل سیاسی کل قرآن کریم می‌باشد.

باید تأکید کرد تفسیر سیاسی رویکردی خاص از تفسیر قرآن کریم است که از رهگذر آن مفسر بر بیان مدلول‌های آیات قرآن و کشف مقاصد خدای سبحان از آیات قرآن تمرکز داشته و تلاش دارد ظرفیت سیاسی آن دسته از آیات که بدون اتجاه سیاسی ناشناخته مانده، کشف کند و آن را با گرایشی سیاسی تا حد امکان تبیین و تشریح نماید. تفسیر سیاسی از نظرگاه موضوعی به سیاست گرایش دارد و مفسر آیات را از این رهگذر به‌طور خاص مورد عنایت قرار می‌دهد و از مراد و مقاصد سیاسی آیات قرآن پرده برمی‌دارد. در این نوع تفسیر محقق می‌کوشد از نظرگاه حیات سیاسی به پرسش‌های قرآنی مرتبط پاسخ دهد و درصدد دستیابی به تعالیم قرآن کریم پیرامون حیات سیاسی بشر است.

۳- مبانی عام تفسیر سیاسی قرآن

مبانی تفسیر، ضوابط و قواعدی است که مفسر قرآن، آن مبانی را به مثابه اصول موضوعه می‌پذیرد و بر پایه آن آیات قرآن را تفسیر می‌نماید. این اصول موضوعه معمولاً در علوم مقدماتی تشریح و اثبات می‌شوند؛ بعضی از این مبانی در علوم ادبیاتی همچون صرف، نحو، لغت، معانی، بیان مطرح شده و بعضی در علم کلام؛ البته اصول و قواعدی هم هستند که مربوط به روش‌شناسی تفسیر می‌باشند. در این نوشتار مراد از روش‌شناسی تفسیر تدبری مقام معظم رهبری مطالعه و تبیین اصول و معارف دین و بالمآل تفسیر قرآن است.

گرایش‌های تفسیری ناظر به رویکرد خود مفسر و عقاید و سلایق و باورها و اندیشه‌های اوست. اندیشه‌ها و نظرگاه‌های مذهبی، اجتماعی، سیاسی، کلامی و امثال ذلک و همچنین تخصص ویژه مفسر که در نگاه و نگرش مفسر مؤثر است و منجربه شکل‌گیری گرایش و رویکرد خاص تفسیری می‌شود (ن. ک: مؤدب، ۱۳۹۰: ۳۸ و همو، ۱۳۹۳: ۱۱). مراد از روش تفسیری، روندی است که مفسر آن را در فهم آیات قرآن پی‌جویی کرده و اختلاف در آن منجربه تهافت در فهم و درک آیات قرآن می‌شود. روش‌های تفسیری برآمده از مبانی بوده و پیوند وثیقی با مستندات و منابع فهم قرآن دارد که مفسر در فرایند فهم معانی آیات قرآن از آن استفاده می‌کند. این روش‌ها با توجه به ابزارهایی که در فهم قرآن استفاده می‌شود، به روش‌های قرآن به قرآن، روایی، عقلی و غیره تقسیم می‌گردد (ن. ک: مودب، ۱۳۹۰: ۳۷ و همو، ۱۳۹۳: ۱۰).

مبانی عام تفسیر سیاسی قرآن عبارت‌اند از:

۱. سیاست با مالکیت و سلطنت و قدرت هم‌راستاست، پس قدرت مطلق خدای سبحان نخستین و شاخص‌ترین مطلب در نظام سیاسی و اندیشه قرآنی می‌باشد.

مالکیت مطلق ذات مقدس خداوند بر این عقیده کلامی پا برجاست که در پشت اطلاع و حقوق هر فردی، منبعی فیاض و آگاه و قدرتمندی است که هم احاطه‌اش بر خیر و صلاح انسان‌ها افزون‌تر می‌باشد و هم آگاهی او بر خیر انسان‌ها فراوان‌تر. چه اینکه می‌فرماید: «**وَاللّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ**» (بروج، ۲۰) و مراقبت او و رضایش نسبت به توجه دیگران ارزشمندتر است و تنها خداست که مولای حقیقی بندگان می‌باشد. تمام عالم تکوین از آن خداست و مالک روز جزا باری‌تعالی می‌باشد و خداوند است که مالک واقعی آسمان‌ها و زمین می‌باشد و اوست که به همه‌چیز و همه‌کس فرمان می‌راند؛ چه اینکه می‌فرماید: «**قُلِ اللّهُمَّ مَالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ**» (آل‌عمران: ۲٦) از این آیه معلوم می‌شود که اداره جامعه از مسیر تعیین مدیر، قانون‌گذاری، نصب حاکم و ولی‌امر امکان‌پذیر است؛ چون خداوند هم از شئون تدبیر انسان‌ها و پاره‌ای از تدبیر جهان می‌باشد که به خدای متعال اختصاص پیدا کرده است (مصباح یزدی، محمدتقی، حقوق و سیاست در قرآن: ۱۲۳).

۲. از مبانی اساسی در تفسیر سیاسی قرآن، اصل عدم انفکاک سیاست از دین، اصالت دیانت و پیروی سیاست از دیانت می‌باشد. بی‌شک قرآن به شئونات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی بشر توجه خاص داشته است. از مهم‌ترین دلایل هم‌راستایی حکومت و دین، خطابات عمومی قرآن مجید می‌باشد که وظایفی را به‌عهده جامعه قرار داده است. قرآن تکالیف را به دوش افراد قرار داده و امت اسلامی مخاطب آیات هستند؛ من‌جمله امر به معروف و نهی از منکر، جهاد با مشرکان و قدرت دفاعی (بعضی از آیات عبارت است از: مائده: ۳۸؛ آل‌عمران: ۱۰۴؛ انفال: ٦۰؛ بقره: ۱۹۰). ازاین‌رو جامعه باید دولت مرکزی مقتدری داشته باشد و این مسئله را به آن واگذارد.

برهان دیگر وجود تکالیف خاص، نهادهای خاص و استراتژی‌های سیاسی در قرآن است؛ همچون مواردی مانند دیات، قصاص، حدود که احکام جزایی منحصربه‌فردی دارد و نهادهایی چون امر به معروف و نهی از منکر و افزایش قدرت نظامی نیازمند دخالت در سیاست می‌باشد.

۳. مبانی کلامی مفسر یعنی آن دسته از مبانی که با استدلال و برهان مورد پذیرش قرار می‌گیرد، اثر بسیار مهمی در افکار سیاسی متفکران دارد. شاخص‌ترین مبحث در علم کلام، توحید و حاکمیت مطلقه خداوند است. این اندیشه زیربنای مباحث دیگر ازجمله عقاید سیاسی می‌باشد و به‌عبارت

آشکارتر، مشروعیت حکمرانی اسلامی نه بر پایه فرد، بلکه بر نظر اکثریت مردم استوار شده است. بر پایه اراده خداوند و نظر بیشتر مردم، حکومت اسلامی مشروعیت می‌یابد. یقیناً خداوند اراده‌ای جز تأمین مصالح عباد خود ندارد (سویزی، علیرضا، همان: ٤٠).

٤. از نظرگاه قرآن، تشکیل نظامات سیاسی به‌عنوان هدف نهایی به‌حساب نمی‌آید، بلکه غرض نهایی برپایی نظامات اخلاقی است. غرض خلقت سعادت یکایک انسان‌ها می‌باشد، نه یک فرد. پس همگی باید از نعمت‌های خداوند بهره‌مند شوند، ولیکن در مقام عمل مادامی‌که تلاش کنند از نعمت‌های خداوند استمداد جویند، تزاحم به‌وجود می‌آید. برای از بین رفتن کشمکش‌ها، تعیین حدود و ثغور برای افراد ضرورت دارد و هر فرد و گروهی باید به اندازه‌ای که خداوند به آن‌ها نعمت داده است، از آن بهره‌برداری کند و بهترین نظام را سامان دهد (محمدتقی مصباح‌یزدی، همان: ٤٦).

٥. مباحثی همچون گسترش عدالت، آزادی، تعلیم و تربیت، فراهم‌آوری زمینه مناسب برای رشد فرد و جامعه، احقاق حقوق مردم (نوروزی، نظام سیاسی اسلام: ٢٠) از اهداف میانی نظام سیاسی در قرآن است و باید مورد توجه مفسر سیاسی قرار گیرد.

٦. از نظر سلبی، نظام سیاسی قرآن، از خدعه، نیرنگ، دروغ و هرگونه امری که انسان را فریب دهد به دور بوده و نفی هرگونه استبداد و ظلم را بر پایه عدالت طلب می‌نماید.

٧. سیاست در قرآن در واقع پی‌جویی هدایت و کمال اقشار جامعه است و جامعه با رعایت مصالح دنیا و آخرت به سعادت ابدی دست پیدا خواهند کرد.

٨. آزادی سیاسی در قرآن در راستای خلقت آزاد مردم از سوی خداوند بوده و نباید بنده دیگری جز خدای یگانه در تعیین سرنوشت خود اثرگذار باشد و مردم در تعیین زندگانی خود و سرنوشت آن حق به‌سزایی دارند.

٩. از منابع سیاست، کتاب، سنت، اجماع و دلیل عقل است و اهمیت کتاب و سنت پیامبر اسلام(ص) به آن دلیل است که هر دو از مظاهر اراده تشریعی خداوند می‌باشند. (مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، صفحه ٦٠).

٤- مبانی روشی تفسیر تدبری آیت‌الله خامنه‌ای

مقام معظم رهبری در تمهید کتاب تفسیری خویش به‌نام «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» سه مبنای روشی را عنوان کرده است (خامنه‌ای، ١٣٩٤: ٣٧- ٣٩) و در چند بحث مستوفی، به

ضرورت مباحث این چنینی پرداخته و بدان تأکید کرده است. به‌طورکلی چهار مبنای اساسی در روش‌شناسی تفسیر تدبری ایشان می‌توان به‌دست آورد:

۱. تبیین اسلام با عنوان یک مسلک سیاسی- اجتماعی

۲. پیوستگی همه اصول و فروع دین اسلام در راستای ساخت نظام اجتماعی انسان

۳. اولویت‌بندی در ارائه اصول و معارف اسلامی برای تحقق ساخت نظام اجتماعی

٤. مستدل بودن نظرات و نظام‌سازی‌ها بر پایه قرآن کریم

مورد چهارم از مبانی روش‌شناختی تفسیر تدبری آیت‌الله خامنه‌ای، نگاه ویژه ایشان را به مسئله تفسیر روشن ساخته و می‌توان به پاره‌ای از اظهارات ایشان در این باره اشاره کرد: «در استنباط و فهم اصول اسلامی مدارک و متون اساسی دین اصل و منبع باشد، نه سلیقه‌ها و نظرهای شخصی یا اندوخته‌های ذهن و فکر این و آن تا حاصله کاوش و تحقیق به‌راستی اسلامی باشد و نه هر چیز جز آن؛ برای برآمدن این منظور قرآن کامل‌ترین و موثق‌ترین سندی است که می‌توان به آن متکی شد، چه اینکه می‌فرماید: «**لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ**» و در آن مایه روشنگری هر چیز می‌باشد، چه اینکه می‌فرماید: «**لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ**» و البته در پرتو تدبری ژرف‌پیما که خود ما را به آن فرمان داده است، چه اینکه در قرآن کریم آمده است: «**أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا**».

۵- روش و گرایش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای

نگاه ویژه مقام معظم رهبری به دین اسلام و مبانی برآمده از آن در شکل‌گیری نظرگاه‌های تفسیری و نگرش مجموعی ایشان پیرامون انتظار نقش خاصی داشته است. این نگاه، روش و گرایش تفسیری ایشان را سامان بخشیده است. با ارزیابی آثار و سخنان و منویات تفسیر تدبری آیت‌الله خامنه‌ای، معلوم می‌شود که گرایش تفسیری ایشان اغلب سیاسی، اجتماعی می‌باشد. گرچه در بعضی موارد رویکرد و اتجاهات علمی- کلامی هم داشته‌اند. ناگفته نماند روش تفسیری ایشان روشی عقلی- اجتهادی بوده و در بعضی موارد نیز از روش تفسیری قرآن با قرآن استمداد جسته‌اند (برای مطالعه بیشتر نگاه کنید جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۳: ۱۳). در عصر حاضر نگاه نوینی درباره گرایش تفسیری مطمح‌نظر محققان قرآنی قرار گرفته که به آن گرایش تفسیر تمدنی گفته‌اند. در این اتجاه و رویکرد تفسیری، مفسر با نگاه تمدنی که دارد، در برابر آیات قرآن زانوزده و درصدد یافتن تعالیم و آموزه‌های تمدن‌ساز در قرآن مجید و بیان الگویی تمدنی از آن برای عملیاتی ساختن آیات قرآن در ساختن تمدن قرآنی می‌باشد. مطالعه نظرگاه‌های تفسیر تدبری مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که ایشان در مقام تبیین و تفسیر آیات قرآن، از این گرایش نیز بهره برده‌اند. این اتجاه تفسیری درصدد

است طرح خاصی درباره ساخت فرهنگی متعالی برای ایجاد ایران قوی بوده و نگاه تاریخی نیز به آیات قرآن دارد، همچنین مفهوم نظام‌سازی از ظرفیت تفسیر تدبری مقام معظم رهبری پرده برداشته و اندیشه تفسیری او را سامان داده و همچنین بذل توجه او به مقوله تمدن نوین اسلامی و سبک زندگی برآمده از تمدن اسلامی و ممتازسازی تمدن‌های بشری از تمدن دینی گواهی بر این سخن می‌باشد (مودب، نظام‌سازی در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۵۷).

۵-۱- روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای

قرآن مجید از دیرباز به دلایل گوناگون به‌خصوص مقتضیات اجتماعی و سیاسی دوران پس از وفات رسول اکرم(ص)، شامل روش‌های تفسیری مختلفی شده است. این روش‌های تفسیری بعضاً دارای مستندات، اهمیت و ادله‌ای است و از دیگر سو حاوی مجموعه‌ای از منتقدان می‌باشد، ازاین‌رو پیدایش روش‌های گوناگون تفسیرنگاری و فحص و دقت در این مسیر ضرورت التفات به این موضوع را آشکار ساخته است. محکمات در قرآن (آل‌عمران: ۷)، اختلاف دیدگاه در فهم مدالیل آیات قرآن (نهج‌البلاغه، نامه ۷۷)، امر به تدبر در قرآن (محمد: ۲۴)، دوری از گفتار به غیر علم در کلام باری‌تعالی (اسراء: ۳٦)، توجه به تفسیر قرآن توسط پیامبر و نیز فهم قرآن به‌وسیله خود قرآن (نحل: ۴۴) همگی ضرورت مطالعه درباره روش‌های قرآنی را فراوان کرده است (عمیدزنجانی، ۱۳۶۶: ۱۲). از برآیند مباحث پیش‌گفته در تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای معلوم می‌شود که روش این تفسیر، روش اجتهادی می‌باشد که در کنار آن به‌طور چشم‌گیری از روش قرآن به قرآن و روایی نیز استمداد جسته است.

مراد از روش اجتهادی، کوشش فکری و به‌کار بردن نیروی عقل در فهم آیات و راهیابی به مقاصد آن است. در تفسیر اجتهادی، بر عقل و نظر و تدبر تأکید می‌شود در مقابل تفسیر نقلی که تأکید افزون‌تر بر نقل می‌باشد. در موارد متعددی از این تفسیر، مبتنی بر همین شیوه به استنباط معارف قرآنی و فهم آیات پرداخته شده است. تفسیر قرآن به قرآن نیز در این تفسیر کرد، برجسته دارد؛ بدین‌معنا که آیه‌ای به کمک آیه دیگر تفسیر می‌شود و مقصود از آن روشن می‌گردد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۳). افزون بر روش، آنچه که در مباحث تفسیری مورد عنایت است، شناخت اتجاه و گرایش مفسر می‌باشد. رویکرد تفسیری نه امری ناظر به مستندات تفسیر، بلکه بیشتر به علایق و تخصص مفسر باز می‌گردد. تخصص مفسر به سمت و سوی تفسیرنگاری او جهت می‌دهد. تفاسیر از جهت اتجاهات تفسیری انواع گوناگونی پیدا می‌کند، همچون ادبی، بلاغی، فقهی، کلامی، اجتماعی و ... گرایش شاخص در تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای گرایش سیاسی- اجتماعی با سمت و سوی تربیتی و هدایتی است و نکات ادبی، فقهی و کلامی نیز به‌گونه‌ای کمرنگ در آن مشاهده می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۷).

شاخص‌ترین ویژگی آن است که در تفسیر با گرایش سیاسی- اجتماعی مفسر کوشش می‌کند سنت‌های اجتماعی یعنی ضوابط جهان در عرصه اجتماع را بر نیازهای عصری منطبق کند. آیت‌الله خامنه‌ای با لحاظ گرایش سیاسی در تفسیر در طرح مباحث جامعه‌شناختی نیز به دو گونه عمل کرده‌اند:

۱. تبیین و تحلیل مباحث جامعه‌شناسی که قرآن مطرح کرده و تطبیق آن بر مصادیق عصری که کارامدی تعالیم قرآنی در این رابطه را روشن می‌سازد و از آن می‌توان در حل پاره‌ای از مشکلات سیاسی- اجتماعی بهره گرفت.

۲. بهره‌گیری از نظرات جامعه‌شناسی در فهم آیات قرآن (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۸۹).

این روند به‌شکلی است که از تدبر در قرآن و ظرفیت‌های آن آغاز می‌شود و با تکیه بر مجموعه نکاتی از آن به بحث سیاسی- اجتماعی می‌پردازد. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره چنین اظهار می‌دارند: «چقدر خوب است که افراد علاقه‌مند به قرآن و صاحب تدبر در مسائل سیاسی- اجتماعی و به‌خصوص تاریخی قرآن بیشتر دقت و تدبر کنند، بعد این‌ها را با واقعیت‌های تاریخی که تطبیق بدهند، معلوم می‌شود که کدام تفسیرها و توجیه‌های تاریخی مطابق با واقع نوشته شده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ٦۰۲).

۵-۲- مکتب تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای

دیدگاه مفسر پیرامون نحوه تفسیر و تبیین صحیح قرآن مجید و نیز نگاه کلان مفسر به مبانی مورد قبول در ساحت‌های حدیث، کلام، تاریخ، ادبیات و همچنین پیروی از روش‌های تفسیری مدنظر خویش و نیز اتجاهات خاص سیاسی و اجتماعی و عنایت به اقوال مفسران مشهور برای بعضی مفسران قرآن، مکتبی را در تفسیر قرآن ایجاد می‌کند که ظرفیت آن را دارد که قرآن‌پژوهان دیگری از آن مکتب پیروی کنند. نگرش ویژه آیت‌الله خامنه‌ای به تفسیر تدبری و مبانی روش‌شناختی تفسیری او، مکتب خاصی در تفسیر قرآن به‌وجود آورده است که شایسته ارزیابی و مطالعه مستقل است.

٦- جایگاه تفسیر قرآن کریم در اندیشه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

تفسیر قرآن همانند دیگر علوم اسلامی در حرکت از سرمنزل وحی تا به امروز، به پیشرفت و سیر تکاملی خود ادامه داده و به‌صورت دانشی روشمند و گسترده درآمده است. یکی از مهم‌ترین وظایفی که از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) واگذار شده، براساس آیه «... **وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْکَ الذِّکْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَکَّرُونَ**»(نحل: ٤٤) تبیین و تفسیر قرآن است؛ ازاین‌رو پیامبر(ص) نخستین کسی می‌باشد که به تفسیر آیات قرآن پرداخته و در طول عمر شریف خود بر این امر اهتمام ورزیده است. مفسران و دانشمندان علوم قرآنی در اهمیت و شرافت «علم تفسیر»، سخنان

فراوانی ایراد کرده‌اند. ازجمله مرحوم طبرسی، مؤلف تفسیر مجمع‌البیان، علم تفسیر را اجلّ علوم می‌داند (طبرسی، مجمع‌البیان لعلوم القرآن، ۱٤۲۰: ۱/ ۳۵).

سیوطی نیز معتقد است: «شریف‌ترین علمی که انسان به آن مشغول می‌شود و در آن غور می‌کند، علم تفسیر می‌باشد» (ایزدی مبارکه، ۱۳۷٦: ۱۹، به نقل از سیوطی، معترک الاقران فی اعجاز القرآن: ۱/ ۱۰۱). آیت‌الله خامنه‌ای که از دوران جوانی خود به تدریس تفسیر قرآن اشتغال داشته‌اند، در مناسبت‌های مختلف به اهمیت و جایگاه این علم نیز پرداخته‌اند. ازاین‌رو طرح دیدگاه معظم‌له در تفسیر قرآن کریم مورد نظر این بخش قرارگرفته است.

۶-۱- ضرورت آموزش علوم قرآنی و تفسیر

اگر ارزش هر علمی را وابسته به موضوع آن بدانیم، به یقین علم تفسیر که موضوع آن کلام خداست، از ارزشمندترین علوم می‌باشد. اهمیت یک فن یا به جهت اهمیت موضوع آن است یا از جهت هدف و غرض آن و یا از لحاظ نیاز بیشتر به آن است و فن تفسیر از هر سه جهت برتری دارد. آیت‌الله خامنه‌ای مسئولیت اهتمام به رشته علوم قرآن و تفسیر را حوزه‌های علمیه می‌دانند و در سال‌های متمادی به جدیت در این رشته اشاره و توصیه کرده‌اند:

«می‌بایست علم قرآن، شناسایی قرآن، فهم قرآن و انس با قرآن به‌عنوان یک علم و یک رشته در حوزه‌ها وجود داشته باشد ... این انزوای قرآن در حوزه‌های علمیه و عدم انس ما با قرآن، برای ما خیلی مشکلات درست کرده است و بعد از این هم خواهد کرد و به ما تنگ‌نظری خواهد داد» (آیت‌الله خامنه‌ای، درس خارج فقه، ۱۳۷۰/٦/۳۱).

ایشان در مجلسی دیگر اظهار داشته‌اند:

«قرآن از حوزه ما منزوی است؛ برای مثال علم قرآن، مسائل مربوط به قرآن؛ همین چیزهایی که شما می‌بینید با عنوان علوم قرآن الآن رایج شده و گذشتگان کتاب‌های زیادی درباره آن‌ها نوشتند وحالا هم خوشبختانه بعضی‌ها توجهاتی به آن‌ها می‌کنند. تفسیر هم که یک علم مستقل می‌باشد، همین‌طور است» (آیت‌الله خامنه‌ای، درس خارج فقه، ۱۳۷۰/٦/۳۱). «انس با قرآن، معرفت قرآنی [مهم است]. ما نباید از تفسیر محروم بمانیم. در تفسیر مهم می‌باشد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۷/۲۹).

می‌توان گفت لایه مهم دیگری از اهتمام به این رشته، تدوین تفاسیر در سطوح مختلف مردم است. رهبر انقلاب به‌منظور بهره‌مندی سطوح مختلف مردم از قرآن، این امر را ضروری شمرده و می‌فرمایند:

«تفسیری در سطح دانشجو، استاد، دانشمند و در سطح عامه مردم لازم است تا سطوح مختلف مردم بتوانند از قرآن استفاده کنند که این نوع تفاسیری را درحال حاضر نداریم» (بیانات در دیدار با

قرآن‌پژوهان حوزه علمیه قم، به نقل از مدیریت مطالعات معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، نقشه راه: مروی بر منویات حضرت امام خامنه‌ای(حفظه الله) پیرامون انس عمومی با قرآن کریم، بی‌نا، اول: تهران: ۵۲).

۶-۲- ضرورت دقت مفسران و مترجمان قرآن در تبیین و تفسیر آیات

در ادراک و فهم آیات الهی باید دقت بسیاری کرد و ترجمه‌ها و تفسیرهای عالمانه و صحیح و دقیق و منطبق با موازین اصولی را ارائه نمود. همواره فهم غلط و نادرست از آیات قرآن برای مسلمانان زیان‌آور و خسارت‌بار بوده است. ازجمله این تحمیل سخت‌ترین جنگ‌ها بر امیرالمؤمنین(ع) می‌باشد که از ناحیه کسانی تحمیل شد که به درک نادرستی از قرآن دست‌آویز کرده و در برابر حکومت حق، مسلحانه قیام کرده بودند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۱/۲۶).

دغدغه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر این اساس شکل گرفته است. همچنین عملکرد ایشان نیز در دروس تفسیر نشان می‌دهد تا چه حد به این رویه عنایت دارند. ایشان در دیداری با قرآن‌پژوهان حوزه علمیه می‌فرمایند:

«شما گفتید: تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه در دانشگاه تدریس می‌شود. از این مطلب واقعاً دلم لرزید. این را حقیقتاً می‌گویم. اینکه می‌بینید جوان‌ها علاقه به تفسیر قرآن دارند، به‌خاطر این است که نقاط ضعف در دروس معارفی که داده می‌شود، به نظرشان می‌رسد؛ می‌گویند: خوب! قرآن دیگر آن سطح عالی می‌باشد و مشکلی ندارد، پس سراغ خود قرآن برویم. وقتی سراغ خود قرآن می‌روند، مفسّر و مترجم ما قرآن را آنچنان تبیین می‌کند که او را به‌طورکلی مأیوس می‌کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با قرآن‌پژوهان حوزه علمیه قم).

هدف از تفسیر، شناخت معانی آیات قرآن و مقصود خداوند و رسیدن به درک صحیح اسلامی است. به همین جهت ارائه تفسیری ناقص و اشتباه از قرآن کریم عامل عدم باور به حقیقت قرآن کریم می‌شود.

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانی فرموده‌اند:

«چنانچه ما در خلال بحث‌های تفسیری‌مان، حرف سستی بزنیم، ولو اکنون به دل مخاطب ما بنشیند و بپذیرد، اما در آینده که کتاب‌های گوناگون مطالعه می‌کند، فلسفه یا سیاست می‌خواند و در اجتماع وارد می‌شود و می‌بیند که این استدلال به نظرش صحیح نیست، به چه بی‌اعتقاد می‌شود؟ به ما به اعتقاد نمی‌شود؛ ای کاش به ما بی‌اعتقاد می‌شد و می‌گفت: «این آقا نمی‌تواند تفسیر قرآن بگوید»، نه به قرآن بی‌اعتقاد می‌شود، این، ازجمله آن چیزهایی است که به‌نظر من هر چه تعمق شود، خوب است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۳/۱۱/۱۸).

۶-۳- ضرورت انس با تدبر در قرآن و بهره‌مندی از راهنمایی عارفان به قرآن

یکی از راه‌های تأمل و ژرف‌نگری در قرآن کریم مراجعه به تفسیر آیات است. تدبری که به‌معنای دقت و عمق‌یابی مفاهیم قرآن می‌باشد در قرآن و تفسیر این چنین مورد تأکید و توصیه معظم‌له قرارگرفته است:

«تدبّری که در قرآن لازم است، پرهیز کردن از سرسری نگریستن در قرآن می‌باشد؛ یعنی شما هر آیه قرآنی را که می‌خوانید، با تأمّل و ژرف‌نگری باشد و دنبال فهمیدن باشید. این همان تدبّر است و بدون اینکه نیازی به این باشد که انسان، سلایق خودش را به قرآن تحمیل کند که همان تفسیر به رأی می‌باشد، خواهید دید که باب‌هایی را از معرفت، به‌حسب محتوای آیه هرچه که محتوای آیه است باز می‌کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۷/۱۸).

می‌توان گفت به‌تعبیر رهبر انقلاب یکی از اثرات مهم چنین درک عمیقی از محتوای قرآن کریم، شکوفایی قرآنی جامعه و درنتیجه آسیب‌ناپذیر بودن جامعه اسلامی است. ایشان در این رابطه چنین فرموده‌اند:

«انس با تفاسیری که مراد از آیه را تبیین می‌کند، خیلی لازم است. وقتی حفظ باشد و این انس با تفسیر و تدبر هم باشد، همان چیزی که انتظارش در جامعه ما هست، پیش می‌آید: شکوفایی قرآنی» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۵/۱۱ و آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۷/۱۶).

آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر استخراج دقیق و صحیح معارف قرآن به انس با چنین تفاسیری توصیه می‌کنند. برای غوطه‌ور شدن در اعماق این اقیانوس، بی‌شک راهنمایی کسانی لازم است که قرآن، خود را به آن‌ها داده و گوهرهای خود را در اختیار آن‌ها گذاشته است. در بیان آیت‌الله خامنه‌ای، اهل‌بیت(ع) و سپس عارفانی که سال‌ها با معارف قرآنی انس پیدا کرده‌اند، راهبران این مسیر بی‌وقفه‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۲/۸/۶).

ایشان فرموده‌اند:

«خواندن قرآن، از اول تا آخر، یک چیز لازمی است ... تا همه معارف قرآنی یکجا با ذهن انسان آشنا شود. البته معلمانی لازم‌اند تا برای ما تفسیر کنند، مشکلات آیات را تبیین نمایند، معارف آیات و بطون آیات الهی را برای ما بیان کنند؛ این‌ها همه لازم می‌باشد. اگر این‌ها شد، هرچه زمان به جلو برود، ما به جلو می‌رویم و توقف دیگر وجود ندارد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/٤/۲٤).

۶-۴- وجود مبانی علوم انسانی در قرآن

زیربنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب، ازجمله اقتصاد و جامعه‌شناسی و مدیریت و سایر رشته‌های علوم انسانی، بر معرفتی ضددینی و نامعتبر قرار گرفته است. این بنای متزلزل از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده‌اند، مردود می‌باشد و توان مدیریت جامعه

اسلامی را ندارد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۹/۲۶). از طرفی تا وقتی مؤلفه‌های حکومت، اسلامی نشود، حاکمیت قرآن تحقق پیدا نخواهد کرد. نظرگاه رهبر معظم انقلاب درباره اهمیت استخراج مبانی و مبادی علوم انسانی از قرآن کریم بر همین اساس است:

«علوم انسانی غرب ... اغلب مبتنی بر نگاه مادی است. این مبنا، مبنای غلطی می‌باشد. این علوم انسانی را ما به‌صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه هیچ‌گونه فکر تحقیقیِ اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیداکند، می‌آوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در بخش‌های مختلف این‌ها را تعلیم می‌دهیم؛ درحالی‌که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا نمود. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکران، پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و بر این اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آن وقت می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی‌که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۷/۲۸).

۶-۵- محوریت آیات قرآن کریم در حوزه نظریه‌پردازی

قرآن کریم آخرین مرحله سخن و وحی الهی است که آمده تا ابد راهنمای انسان‌ها در ابعاد گوناگون زندگی باشد. آموزه‌های قرآنی در مورد هویت انسان، از چنان گستردگی و استواری برخوردار است که بتوان براساس آن‌ها، نظریه توانمندتری در علوم انسانی پدید آورد؛ بنابراین می‌توان و باید با استفاده از مبانی قرآنی و برخی پیشرفت‌های علوم انسانی، بنای مستحکمی را از علوم انسانی پایه‌گذاری کرد و زمینه پیشرفت کشور در ساحت‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را فراهم کرد. نظریه‌سازی در علوم انسانی براساس آیات قرآن و سایر منابع اسلامی در بیان رهبر انقلاب بدین‌سان مطرح شده است:

«باید بدانیم در حوزه نظریه‌پردازی، کجا جلوئیم، کجا عقبیم. یک‌جاهایی واقعاً ما جلو هستیم، در یک مواردی هم واقعاً عقبیم. در همین زمینه مسئله زن، این همه منابع و تعالیم اسلامی در دسترس ماست: آیات کریمه قرآن؛ چه آیاتی که مستقیماً به این مسئله ارتباط پیدا می‌کند و چه آیاتی که با کلیت خود، با عموم و اطلاقِ خود شامل این منرد می‌شود، در اختیار ماست؛ این‌ها را باید تئوریزه کنیم؛ به شکل نظریه‌ها و مجموعه‌های قابل‌تشعب، قابل‌استفاده و قابل‌استنتاج دربیاوریم و در اختیار همه بگذاریم» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

یک محقق قرآنی آگاه به مبانی و قواعد تفسیر موضوعی و آشنا با آن نظریات مطرح می‌تواند با جمع‌آوری آیات مربوط و تنظیم آن‌ها دیدگاه قرآن را استخراج کند. حتی در مواردی معارف قرآنی در باب انسان و جهان به‌صورت پیش‌فرض در مراحل مختلف نظریه‌پردازی مانند گزینش مسئله و سبک تبیین فرضیه‌پردازی و روش تحقیق در مسائل علوم انسانی مؤثر خواهد بود. ایشان می‌فرماید: «در مرحله نظری و نظریه‌سازی، باید از منابع اسلامی و از متون اسلامی، نظریه ناب اسلام در باب عدالت به‌دست بیاید ... در قرآن، در حدیث، در نهج‌البلاغه، در نوشته‌های فقهی، کلامی و حِکمی بحث‌های زیادی وجود دارد که همه‌اش می‌تواند منبع مورد استفاده ما در پیدا کردن نظریه ناب اسلامی باشد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۲/۲۷).

۷- ابعاد ظرفیت سیاسی تفسیر تدبری آیت‌الله خامنه‌ای

قرآن کریم و تفسیر آن در اندیشه رهبر معظم انقلاب که خود سال‌ها با قرآن زندگی و به‌منظور حاکمیت قرآن مبارزه و مجاهدت کرده‌اند، در جایگاهی است که می‌بایست به فراخور اهمیتش شناسایی و تعریف شود. دست یافتن به ژرفای هر اندیشه‌ای آنگاه ممکن است که نقشه‌ای کامل از آن اندیشه موجود باشد.

با واکاوی اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون قرآن کریم و تفسیر آن می‌توان پی برد که روش پیشنهادی ایشان در تفسیر چیست و چه عاملی آن روش را در جایگاهی غیرقابل قیاس با سایر روش‌ها نشانده است. چرا از مفسران خرده می‌گیرند و تفسیرهای موجود او را قانع نمی‌کند و در نهایت ایشان خود در این باره چه کرده‌اند؟

علاوه‌بر این روش هر معرفت، متأثر از عواملی چون موضوع و هدف معرفت می‌باشد (پارسانیا، ۱۳۹۰: ۷۰). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای نیز از موضوع خود یعنی قرآن کریم و تفسیر آن تأثیر پذیرفته است. با این بیان یکی از عناصر مهم در واکاوی روش مفسر، کشف مؤلفه‌هایی می‌باشد که زمینه‌ساز یا مؤثر در انتخاب آن روش است. غفلت مسلمانان از توصیه حکیمانه و آینده‌نگرانه پیامبر اکرم (ص) - فراموش کردن قرآن و متروک و منزوی نمودن آن- سبب شد تا سال‌های سال طواغیت و مستکبران چه در پوشش اسلامی و چه در هیبت غیراسلامی با سلطه بر مسلمانان آنان را از پیشرفت مادی و معنوی باز بدارند و نیازمند غرب سازند. آیت‌الله خامنه‌ای که با درک این شرایط اقدام به حضور جدی و مستمر در عرصه قرآن کریم و تفسیر آن کرده‌اند، در این زمینه دیدگاهی ژرف‌نگرانه و قابل‌تأمل دارند. با این بیان می‌توان از ضرورت بازگشت به قرآن، لزوم تربیت فردی و اصلاح اجتماعی براساس قرآن، لزوم تشکیل حکومت قرآنی و وجود مبادی علوم انسانی در قرآن را ازجمله مؤلفه‌های زمینه‌ساز یا مؤثر در انتخاب روش تفسیری ایشان نام برد.

۷-۱- ضرورت بازگشت به قرآن

یکی از مسائل قرآن‌پژوهان معاصر، طرح بازگشت به قرآن در دوره اخیر است. این اندیشه از اواخر قرن سیزدهم هجری در جهان اسلام مطرح شد و حرکتی در میان مصلحان مسلمان به‌وجود آمد که مسلمانان جهان را به شناخت و بازیابی مجدد قرآن فرا می‌خواند و از این طریق، بیداری و رستاخیز نوین فکری، سیاسی و اجتماعی مسلمانان را خواهان بود، به‌گونه‌ای‌که بتواند هویت گم‌شده و تضعیف‌شده مسلمانان را زنده کند و آنان را به مقاومت در برابر استعمارگران و در نهایت احیای مجدد عزت و عظمت دیرین وا دارد (یوسفی اشکوری: ۱/ ۳٤٥؛ خرمشاهی: ۲۰). این حرکت تأثیر بسیاری برجای گذاشت و موجب توجه فراوان به انواع دانش‌های قرآنی به‌ویژه تفسیر با گرایش‌های گوناگون آن و از آن جمله تفسیر اجتماعی شد.

آیت‌الله خامنه‌ای به این اندیشه، توجه کرده و بارها سخن از مهجوریت این کتاب (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۳/٦/٤) و لزوم بازگشت به قرآن گفته‌اند، تا جایی‌که می‌توان گفت اندیشه ضرورت بازگشت به قرآن، نبض و اساس تفکر قرآنی رهبر معظم انقلاب است. درحالی‌که این اندیشه عمیق و مؤثر، در هیچ‌یک از آثاری که بیانگر اندیشه قرآنی ایشان می‌باشد، مورد توجه قرار نگرفته است. ازجمله ایشان در پیامی به اجلاس اندیشه اسلامی نگاشته‌اند:

«سیدجمال صد سال پیش از این می‌گریست و می‌گریاند که قرآن مخصوص هدیه دادن و زینت کردن و خواندن بر مقبره‌ها و نهادن بر طاقچه‌هاست. در این صد سال چه تغییری حاصل شده است؟ آیا وضع قرآن برای امت قرآن نگران‌کننده نیست؟ سخن در این است که قرآن کتاب زندگی انسان می‌باشد. انسان بی‌نهایت، انسان متکامل، انسان چندبعدی، انسانی که تکامل او را حد و مرزی نیست در همه زمان‌ها این راهنما و معلم انسان می‌تواند او را دستگیری کند. نظام شایسته زندگی انسان فقط در قرآن به او آموخته شود و بس. رفع ظلم‌ها، تبعیض‌ها، فسادها، جهل‌ها، طغیان‌ها، نارواییها، دنائت‌ها و خیانت‌هایی که در طول تاریخ ممتد بشری بلای جان و مانع رشد و تعالی انسان‌ها بوده است، فقط در سایه هدایت قرآنی و برنامه‌ای که این کتاب آسمانی برای زندگی انسان ارائه می‌دهد عملی می‌باشد و بس. بازگشت به قرآن بازگشت به زندگی شایسته انسانیت و تکلیف این کار برعهده مؤمنان به قرآن و پیشاپیش آنان قرآن‌شناسان عالمان و گویندگان دینی است. بازگشت به قرآن، شعاری می‌باشد که اگر به‌صورت حقیقی و جدی مطرح شود، می‌تواند فاروق حق و باطل باشد. قدرت‌هایی که بازگشت به قرآن را تحمل نمی‌کند، باید از سوی ملت‌های مسلمان تحمل نشوند» (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳٦۲/۱۱/۱٦).

آیت‌الله خامنه‌ای با پیام به این کنفرانس ضرورت بازگشت به قرآن را به علمای حاضر در کنفرانس گوشزد کرده‌اند. متن این پیام تنها در روزنامه کیهان همان سال چاپ شد. درحالی‌که ترجمه عربی آن با عنوان ضَروره‌العّوده إلی القرآن همراه با پیام‌های معظم‌له به کنفرانس دوم تا هفتم اندیشه اسلامی به طبع رسیده است (الخامنیئی، علی الفکرالاصیل، ١٤١٥ق). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برپایی نظام جمهوری اسلامی ایران را از برکات بازگشت به قرآن می‌دانند. تا جایی‌که علمای حاضر در اجلاس اندیشه اسلامی را نیز به الگوی نظام‌سازی بر پایه قرآن تشویق می‌کنند: «برادران و خواهران مسلمان ما که خود در شمار دور ماندگان از قران و آسیب‌دیده از توطئه ضدقرآنی دشمنان جهانی بودیم، طعم بازگشت به قرآن را چشیده‌ایم. انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران و برپایی نظام جمهوری اسلامی، یکی از برکات بزرگ این بازگشت است» (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ١٣٦٢/١١/١٦).

۷-۲- لزوم تشکیل حکومت قرآنی

برکات بازگشت به قرآن هم در کمال افراد مسلمان و هم در عزت و پیشرفت جامعه آنان، مشهود است. یکی از این برکات، نقش برجسته قرآن کریم در تعیین نوع و ساختار حکومت می‌باشد. می‌توان گفت ازجمله عناصر مؤثر بر اندیشه تفسیری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، برپایی حکومتی شایسته در جوامع اسلامی است که تمام مؤلفه‌های آن از قرآن کریم استخراج، تفسیر و استنباط می‌شود. ایشان در پیامی نگاشته‌اند:

«همه‌چیز برای اداره یک زندگی شایسته اجتماعی در قرآن هست. از معرفت ذهنی تا شیوه‌های عملی و از عقیده راهنما و حرکت‌بخش و بسیج‌کننده تا نظام‌های گوناگونی که بخش‌های مختلف یک زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهند و از تحلیل گذشته تاریخ بشر تا پیش‌گویی آینده آن. امروز فلسفه‌ها و ایدئولوژی‌های گوناگون مادی به بن‌بست‌های ذهنی و عملی رسیده و از جذب و بسیج نیروهای انسانی ناتوان شده‌اند، اکنون نوبت حاکمیت قرآنی است که خلأ موجود در ذهن و عمل انسان‌ها را پُر کند؛ و تحقق وعده قرآنی «... **لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّه** ...»(توبه: ۳۳) را بشارت دهد (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ١٣٦٢/١١/١٦).

ایشان همچنین اشاره می‌کنند:

ایجاد یک نظام مبتنی بر دین که مسئولان این نظام، هویت‌شان، اهداف‌شان، خصوصیات‌شان، عملکردشان، ارتباط‌شان با مردم، عملکردشان برای مردم براساس دین باشد- براساس دستور دینی و دستور اسلامی باشد- این همان بزرگ‌ترین قلم از اقلام عمل به قرآن است» (زارعی، ١٣٩٤: ٥٤؛ آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ١٣٨٨/٧/٢٨).

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای اگر اسلام به‌معنای اعتقاد و عمل افراد در جامعه وجود داشته باشد و حاکمیت دین برقرار نباشد، در چنین جامعه‌ای قرآن و اسلام مهجور است. در واقع مهجوریت قرآن به‌معنای عدم حاکمیت قرآن در طراحی مؤلفه‌های حکومت می‌باشد. ایشان مصداق آن را در قرآن کریم در سوره فرقان می‌دانند و تأکید می‌کنند لفظ «اتخاذ» در این آیه، به‌معنای رها کردن اسم قرآن و مسلمانی نیست، بلکه دلیل بر سلب حکومت از قرآن کریم می‌باشد:

«**اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُوراً** پروردگارا! همانا قوم من این قرآن را متروک گذاشتند (فرقان: ۳۰)؛ یعنی قرآن را دارند، اما همواره با هَجر. قرآن هست، اما مهجور است. به این معنا که قرآن در یک جامعه تلاوت شده و احترام ظاهری می‌شود، اما به احکام آن عمل نمی‌کنند و به بهانه جدایی دین از سیاست، حکومت را از قرآن سلب می‌نمایند. اگر قرار بود که اسلام و قرآن حکومت نکنند، پس مبارزات پیغمبر (ص) برای چه بود؟ اگر پیغمبر اسلام (ص) بر این باور بود که نباید در حکومت و اداره زندگی مردم و قدرت سیاسی جامعه دخالت شود و همین‌قدر کافی است که مردم عقاید اسلامی داشته باشند و در خانه خودشان این اعمال دینی را انجام دهند، معلوم نیست که چنین مبارزاتی بر پیغمبر (ص) تحمیل می‌شد. دعوای پیغمبر (ص) بر سر قدرت سیاسی و قبضه کردن قدرت به‌وسیله قرآن است. هَجر قرآن به این معناست که اسم قرآن وجود دارد و حاکمیت قرآن نمی‌باشد. در عالم اسلام، هرجا که قرآن حاکم نیست، این خطاب نبی اکرم (ص) «... يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»(فرقان: ۳۰) صادق است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۳/٦/٤).

۷-۳- لزوم تربیت فردی و اصلاح سیاسی- اجتماعی براساس قرآن

در اسلام حکومت، ابزار تربیت است. تزکیه و تطهیر انسان‌ها در نظامی که حاکمیت الهی برپاست، فراهم می‌باشد. ازاین‌رو قرآن کریم هم در آگاهی‌بخشی و جهت‌دهی به زندگی فردی مؤمنان و هم در سامان‌دهی زندگی اجتماعی و رفع نیازهای اساسی انسان برنامه‌ریزی کرده است. آیت‌الله خامنه‌ای از هدایت قرآن در عمل فرد و جامعه چنین تعبیر می‌کنند:

«قرآن، خودش را به زبان‌های مختلف تعریف می‌کند؛ ازجمله اینکه می‌فرماید: «**إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ** ...» «بی‌تردید این قرآن به استوارترین آئین هدایت می‌کند (اسراء: ۹)؛ این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند؛ یعنی قرآن، انسان را به بهترین راه، بهترین کار، بهترین نظام، بهترین شیوه، بهترین اخلاق و بهترین روش‌های عمل فرد و جامعه هدایت می‌نماید ... قرآن، همیشه زنده است. قرآن، نیازهای انسان را مورد توجه قرار می‌دهد. قرآن در هر عصری می‌تواند بهترین نسخه سعادت انسان‌ها باشد (زارعی، ۱۳۹٤: ۱۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۹/۱). در

نظام جمهوری اسلامی- که نظام الهی و حکومت قرآنی است - انسان‌ها بهتر از دیگر نظام‌ها می‌توانند طهارت خود را تأمین کنند. این را قدر بدانید. امروز جهان بشریت، به پیام تطهیر و تزکیه‌ی شما احتیاج دارد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱).

مفاهیم قرآن کریم، معارفی است برای زندگی بشر به‌منظور رهیابی به تمام استعدادها و امکانات وجودی او. همان‌گونه که تجسم قرآن در زندگی پیامبر (ص) نمونه و الگوی مؤمنان قرار گرفته است:

«با قرآن باید عجین شد؛ مفاهیم قرآنی مفاهیمی می‌باشد برای زندگی؛ فقط معلومات نیست. گاهی انسان معلومات قرآنی‌اش خوب است، اما از قرآن در زندگی او هیچ اثری نیست! بعضی از خانم‌ها هم در اینجا اشاره کردند، گفتند. ما باید تلاش‌مان این باشد که قرآن در زندگی ما تجسم پیدا کند. همان‌طور که از یکی از زوجات مکرمه پیغمبر اکرم (ص) وقتی درباره اخلاق پیغمبر (ص) پرسیدند، ایشان در جواب گفتند که: «کان خلقه القرآن»؛ اخلاق او قرآن بود (روی بسنده عن سعد ابن هشام، قال: سألت عائشه فقلت: اخبرینی عن خلق رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فقالت: کان خلقه القرآن. حسینی فیروزآبادی، مرتضی، فضائل الخمسه من الصحاح السته، ج۱، با تصحیح محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، به نقل از: مسند الامام احمد بن حنبل: ٦/ ١٦٣)؛ یعنی قرآن مجسم بود. این باید در جامعه ما تحقق پیدا کند» (زارعی، ١٣٩٤؛ آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۷/۲۸).

قرآن کریم نه‌تنها به سامان‌دهی زندگی اجتماعی و رفع نیازهای اساسی انسان می‌پردازد، بلکه علاج دردها و ضعف‌های امت اسلام را به او رهنمون می‌شود. عامل عمیق شدن و رسوخ ایمان در انسان و به میدان آوردن نیروی حیاتی اوست. این‌گونه است که چنین جامعه‌ای قدرت استقامت خواهد یافت.

آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند:

«وقتی جامعه‌ای روحیه‌اش قوی شد، دشمن نمی‌تواند به آن زور بگوید. وقتی زورگویان دنیا بخواهند سوار فرد، جماعت و یا ملتی شوند، نخستین اقدام‌شان این است که روحیه آن فرد یا ملت را بشکنند و احساس توانایی و ایستادگی‌اش را از بین ببرند. تا زمانی‌که احساس قدرت و توانایی و روحیه در یک ملت و جماعتی وجود دارد، هیچ‌کس نمی‌تواند بر آن فائق آید؛ نه دشمنان بیرونی و نه دشمنان درونی؛ تنبلی و بی‌عاری و بیکارگی. اینکه در روایت دارد: «و رجل قرأ القرآن فوضع دواء القرآن علی دواء قلبه» (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، با تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، ١٤٠٧ق: ٢/ ٦٢٧). برای این است که قرآن را فقط برای اینکه اسم و رسم بیابند یا مشغولیتی برای خودشان درست کنند، نخوانند؛ بلکه قرآن را به جهت اینکه درمان‌های اصلی از آن

است بخوانند. داروی قرآن را روی درد جان و وجود و باطن خود بگذاریم و با قرآن این دردها را شفا دهیم. این کار، احتیاج دارد به اینکه فضا قرآنی شود» (زارعی، ۱۳۹٤: ۲۱-۲۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۲/۸/٦).

مدعیان اصلاح اجتماعی در جهان همچنان خود را به بشر عرضه کرده و هریک او را به‌سویی می‌کشند، درحالی‌که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نسخه‌ای که مکتب‌های فلسفی و مکتب‌های معرفتی دنیا برای بشریت می‌پیچیند، نسخه ناکام و شکست‌خورده‌ای است. به‌تعبیر معظم‌له دلیل این درماندگی عدم وجود آرامش معنوی می‌باشد. شکست مارکسیسم و سایر مکاتب غربی نیز به همین دلیل است. آنچه نسخه اصلی و بی‌رقابت اصلاح وضعیت بشریت می‌باشد، صراط مستقیم قرآن کریم است:

«دلیل درماندگی‌شان این است که در غرب علم هست، پول هست، قدرت نظامی هست؛ سعادت نیست؛ سکینه و طمأنینه نیست؛ آرامش معنوی نیست ... اما قرآن و آئین اسلام، به انسان، هم علم می‌دهد، هم رفاه می‌دهد، هم عزّت می‌دهد، هم سکینه می‌دهد: «**هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ السَّکِینَةَ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ لِیَزْدَادُوا إِیمَانًا مَعَ إِیمَانِهِمْ...**»(فتح: ٤)؛ «**فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَکِینَتَهُ عَلَی رَسُولِهِ وَعَلَی الْمُؤْمِنِینَ وَ أَلْزَمَهُمْ کَلِمَةَ التَّقْوَی...**»(فتح: ٢٦). علاوه‌بر لذت دنیوی، رفاه مادی و قدرت علمی، سکینه و طمأنینه می‌دهد و آرامش می‌بخشد؛ و این در تاریخ تجربه شده است؛ امروز هم قابل تجربه شدن می‌باشد. در ایران اسلامی، ما یک قدم کوچک را برداشتیم؛ آثارش را هم مشاهده کردیم؛ برکاتش را هم دیدیم؛ و هرچه جلوتر برویم، بیشتر خواهد شد. امر و علاج امت اسلامی این است؛ مقدمه و صراط مستقیم همین قرآن کریم می‌باشد» (زارعی، حکومت قرآن، ۱۳۹٤: ۲۲-۲۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۸/۹).

۷-۴- نگاه تمدنی به قرآن

تمدن غرب، تمدنی منقطع از معنویت و قرآن است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/٤/۳۱) این تمدن پایه‌های خود را بر مبنای علومی طراحی کرده که ریشه در شرک و اومانیسم دارد. تمدن نوین اسلامی در صورتی می‌تواند مقابل تمدن پست غربی سر برافرازد که در منطق و روش براساس قرآن کریم پایه‌ریزی شود.

بعد از شکل‌گیری انقلاب اسلامی که هدفش، دستیابی به تمدن مستقل بر اساس قرآن بود، به جهت نقش اساسی علوم انسانی در تمدن‌سازی، اسلامی کردن علوم انسانی مطرح شد. در بیان رهبر انقلاب آمده است:

«امت اسلامی با همه ابعاض خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است ... نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی می‌باشد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۲/۹).

کسانی می‌توانند این مبانی را جست‌وجو و تفحص کنند که هم با فلسفه اسلامی آشنایی کامل داشته و هم در فقه و تفسیر تسلط لازم و کافی داشته باشند؛ یک مجتهد اسلام‌شناس می‌تواند مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جست‌وجو و استخراج کند، از سوی دیگر مجتهدهایی هم که با علوم انسانی جدید دنیای امروز بیگانه نباشند، قادرند تا عناصر اصلی و شاخص‌های مهم انسان‌شناسی قرآنی را استخراج نمایند.

۷-۵- نظام‌سازی (مثلث نظام‌ساز؛ امر به معروف و نهی از منکر، ایتاء زکات، اقامه نماز)

آیت‌الله خامنه‌ای در بیان ظرفیت سیاسی تفسیر تدبری، دیدگاه نظام‌سازی را مطرح کرده و به چندی از آیات سوره مبارکه حج استناد می‌کند. او اقامه نماز، امر به معروف و نهی از منکر، پرداخت زکات را از امور نظام‌ساز تلقی می‌نماید. وی در سوره مبارکه حج از افرادی یاد می‌کند که مورد ظلم واقع شدند و به همین روی خدای سبحان به ایشان اجازه دفاع داده است: «به کسانی‌که به جنگ بر سرشان تاخت آورده‌اند و مورد ستم قرار گرفته‌اند، رخصت داده شد و خدا بر پیروزگردانی‌شان تواناست؛ همان‌هایی که از شهر خود به ناحق اخراج شدند به این خاطر که می‌گفتند پروردگار ما الله است، اگر خداوند بعضی از مردم را به توسط برخی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها، کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن زیاد برده می‌شود، ویران می‌شد» (حج: ۳۹ تا ٤٠). در آیه بعد، خدای سبحان این دسته از انسان‌ها را چنین معرفی می‌کند که «اگر ایشان در زمین قدرت پیدا کنند، نماز را برپا داشته و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند» (حج: ٤١). در این آیه کریمه، خدای سبحان چهار ویژگی را برای انسان‌های باایمانی که تمکّن و قدرت در زمین را به‌دست می‌آورند و از زیر سلطه زورگویان خارج می‌شوند، معین کرده و وعده داده است که می‌تواند چنین ملتی را مدد رساند و جزماً هم راهنمایی خواهد نمود. این چهار شرط اساسی عبارت است از: نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر. آیت‌الله خامنه‌ای(دامت‌برکاته) در تفسیر سیاسی خویش به هر کدام از این چهار خصوصیت نظام‌ساز یک جنبه فردی و شخصی می‌بخشند و از طرفی از زاویه اجتماعی نیز به آن می‌نگرند و در مجموع از این چهار شرط، نظام‌سازی اجتماعی را استفاده می‌کنند.

۷-۵-۱- اقامه نماز

رهبر معظم انقلاب برای نماز افزون بر آنچه که درباره حقیقت نماز نهفته شده است و وسیله تقرب افراد متقی می‌باشد، وسیله فوز و رستگاری است و از همه فعالیت‌های دینی مهم‌تر می‌باشد (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۲: ۴/ ٢٤؛ کلینی، ١٤٠٧: ٢/ ٢٦٥)، جنبه اجتماعی نیز قائل بوده‌اند. از نظرگاه ایشان تک‌تک مسلمین توسط نماز با یک کانون واحدی ارتباط می‌گیرند و در آن واحد، در هنگام نماز همه مسلمانان به یک نقطه مرکزی متصل می‌شوند و دل یکایک مسلمانان به آن نقطه اساسی دنیای اسلام وصل می‌شود. ایشان ارتباط همه دل‌ها به آن نقطه کانونی را یک مسئله اجتماعی، نظام‌ساز، تعیین‌کننده و شکل‌دهنده به منظومه فکری اسلام معرفی می‌کنند» (خامنه‌ای، ۱/۱/ ۱۳۹۴).

۷-۵-۲- ایتاء زکات

رهبر انقلاب اسلامی برای زکات افزون بر جنبه‌های فردی، یک گفتمان اجتماعی- سیاسی هم قائل هستند. از دیدگاه ایشان، گفتمان اجتماعی زکات نظام‌ساز است و انسانی که در چنین محیطی بهره‌مند از مال دنیوی شود و خود را طلبکار نداند، بلکه متعهد و بدهکار به جامعه اسلامی بداند، همواره در برابر ضعفا و مستضعفان و فقرا خود را متعهد و موظف می‌داند؛ ازاین‌رو زکات با این نگاه یک حکم و شاخص نظام‌ساز دانسته است.

۷-۵-۳- امر به معروف و نهی از منکر

آیت‌الله خامنه‌ای امر به معروف و نهی از منکر را اساس همه اقدامات سیاسی- اجتماعی اسلام دانسته، چنان‌که در روایات آمده است «بِها تُقامُ الفَرائِض» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۵۵). امر به معروف به این معناست که همه انسان‌های مؤمن و شایسته در هر نقطه‌ای از جهان خلقت مکلّف‌اند جامعه را به سمت و سوی نیکی رهنمایی کرده و معروف را به همه مردم بشناسانند. رهبر معظم انقلاب علاوه‌بر مذمت کاهش امر به معروف و نهی از منکر، آن را جزء شاخص‌های نظام‌ساز دانسته و اظهار می‌دارند: «ایجاد نظام اسلامی و حفظ آن بر پایه آن استوار می‌شود». از نظرگاه ایشان هیچ معروفی با اهمیت‌تر از ایجاد و صیانت از نظام اسلامی نیست و هر فردی باید در این مسیر کوشش کند و آن مصداقی از امر به معروف است. همچنین آیت‌الله خامنه‌ای افزون بر بیان عزت و آبروی ملت ایران، آن را یکی دیگر از عظیم‌ترین معروف‌ها دانسته و چنین اظهار داشته‌اند: «اعتلای فرهنگ، سلامت محیط اخلاقی، تکثیر نسل و تربیت نسل جوان آماده برای رشد کشور، رونق دادن به اقتصاد، عمومی کردن اخلاق اسلامی، بسط و گسترش علم و دانش، عدالت اقتصادی، تلاش برای اقتدار ملت ایران و کوشش برای وحدت اسلامی، همگی جزو امور ترجمان نظام‌ساز امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد».

رهبر معظم انقلاب نهی از منکر را همان بر حذر داشتن همه انسان‌ها از پلشتی‌ها و پستی‌ها می‌داند و مهم‌ترین مصداق آن را کمک به دشمنان اسلام، تضعیف فرهنگ و نظام اسلامی و اقتصاد جامعه و تضعیف دانش و علم دانسته‌اند که باید از آن نهی کرد؛ به همین جهت نظام اسلامی به اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر اتکا دارد و همگی این چهار شرط، انسجام و پیوند اجتماعی و قلبی اقشار جامعه را فراهم می‌آورد. از نگاه او هر کدام از این چهار شاخص، گفتمان‌ساز نظام اسلامی است و برای برپایی یک نظام سیاسی براساس نگاه اسلام، چهار پایه اصلی امر به معروف و نهی از منکر، اقامه صلاه، ایتاء زکات لازم و ضروری می‌باشد (خامنه‌ای، ۱/۱/ ۱۳۹۴). در این زمینه می‌توان به آیات آغازین سوره مبارکه قصص که ایشان تفسیر کرده‌اند، مراجعه نمود (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۳۷۰- ۳۷۴)، آیه ۲۰۵ سوره بقره (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۳۷۲)، آیه ۱۶۴ سوره آل‌عمران (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۳۸۵).

۷-۶- نگاه اجتهادی به مسائل قرآن پژوهی

بخش قابل‌توجهی از اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه روش و روش‌شناسی، به تبیین روش اجتهادی معطوف می‌شود. روشی که اغلب با عنوان متد فقاهتی از آن نام برده و پژوهشگران قرآنی را نیز به استفاده از این روش توصیه کرده‌اند. رهبر انقلاب علاوه‌بر لزوم پایبندی به متد فقاهتی و بیان ویژگی‌های این روش، الزامات و بایسته‌هایی برای مفسر بلکه در عنوانی گسترده‌تر و عام‌تر برای پژوهنده قرآنی ذکر می‌کنند. از آنجاکه رهبر انقلاب در مقام تألیف تفسیر نبوده‌اند، به‌صراحت به روش خود و ویژگی‌های آن نپرداخته‌اند. همین دلیل ما را بر آن داشت با جستجوی واژه به واژه در بیانات و مکتوبات ایشان، نظریه معظم‌له در روش تفسیر قرآن را گردآوری و تنظیم کنیم. با این بیان، نظریه ایشان در **نگاه اجتهادی به مسائل قرآن پژوهی** ارائه می‌شود.

۷-۶-۱- روش اجتهادی از دیدگاه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

اجتهاد و فقاهت، برخورد کارشناسی با فهم دین می‌باشد؛ یعنی استفاده از متدی علمی که از سوی فقیهان، از دوره اولیه غیبت تا عصر کنونی، پی‌ریزی شده و به تکامل رسیده است. به‌تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای: «اجتهاد، یک متد و یک شکل و یک طریقه می‌باشد؛ رفتاری در فهمیدن و کیفیتی در مشی به سمت حقیقت است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳٦۹/۱۱/٤). «وقتی می‌گوئیم فقاهت، مراد ما آن متد کاری و شیوه کاری در حوزه‌هاست. این شیوه استنباط را به‌عنوان «فقاهت» اصطلاح می‌کنیم» (آیت‌الله خامنه‌ای، درس خارج فقه، ۱۳۷۰/٦/۳۱).

این تعبیر مختصر و بیان اجمالی و کوتاه، رمز و راز تلاش هزارساله فقاهت شیعی است. فقه می‌کوشد با بهره‌وری از متد علمی خاص خود، به فهم دین دست یابد؛ از برداشت‌های عامیانه و التقاطی، فاصله گیرد و در قالب متد علمی فقاهت، به فهم متون دینی بپردازد.

تفاوت دو نگرش فقاهتی و غیرفقاهتی به دین، از همین نکته برمی‌خیزد. در برخورد غیرفقاهتی، نه دانش آن متدها وجود دارد و نه تعبد به آن متدها؛ اما نگاه فقاهتی به دین، نخست اطلاع کافی از آن روش و تسلط بر آن را شرط لازم می‌داند و دوماً در مرحله عمل و استنباط، به آن متدها تعبد می‌جوید و خود را کاملاً به آن، وفادار نشان می‌دهد.

شاید برای این دو نگرش به دین بتوان سابقه‌ای دیرین بیان کرد؛ اما در عصر ما، این دو نگاه متمایز هستند و تفاوت و تعارض خود را کاملاً نمایانده‌اند. ازاین‌رو رهبر انقلاب، مکرراً به این دو روش اشاره فرموده‌اند و تفاوت این دو شیوه را تبیین کرده‌اند (دفتر مقام معظم رهبری، حوزه و روحانیت در آیینه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵: ۲/ ۲۳۰-۲۳٤)، ازجمله در سخنی فرموده‌اند:

«معارف، اصول، اخلاقیات، احکام فردی، احکام اجتماعی و غیره را دو گونه می‌شود از کتاب و سنت استفاده و استنباط کرد: یک طور به شیوه فقاهت و یک طور به شیوه غیرفقاهت. شیوه غیرفقاهت، این است که یک نفر قرآن را باز کند، اگر عربی می‌داند به متنش نگاه کند، حتی اگر عربی نمی‌داند، به ترجمه آن مراجعه نماید و احکام دین و معارف و اعتقادات و اخلاقیات و اداره مجتمع و اداره فرد و این قبیل چیزها را یاد بگیرد و بفهمد ... استنباط فقاهتی یعنی با شیوه فقاهت، با قرآن و حدیث روبه‌رو بشویم. فقاهت در اینجا، به‌معنای یک متد است. متد فقاهت، یعنی یک روش علمی برای استنباط از کتاب و سنت. آن روش قبلی، روش عامیانه بود؛ این دومی، روش علمی می‌باشد. مانند همه چیزهای دیگر که روش‌های علمی و غیرعلمی دارد، فقاهت هم روش علمی استنباط از کتاب و سنت است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳٦٦/۱/۵).

نگرش غیرفقاهتی، نامطمئن می‌باشد. ممکن است در مواردی، ره به حقیقت بپوید؛ اما در مواردی بسیار، به بیراهه ره می‌برد؛ هویت معارف و فهم دینی را درهم میریزد و به‌جای دین‌باوری، جامعه را به دین‌زدایی سوق می‌دهد؛ اما نگاه فقاهتی، معرفت‌شناسی دین را در ابزارهای شناخته شده و مطمئن آن پیش می‌برد؛ با همان متدها، به اجتهاد و استنباط دست می‌یازد و حتی احیاناً به ابتکار و خلاقیت و نوآوری می‌رسد؛ از جاده‌ای ناآشنا، به وادی نظریه‌سازی و ابتکار رو نمی‌آورد. همان مسیر و طرق آشنا و متعارف را می‌پیماید و به فتح قله‌هایی جدید دست می‌یابد؛ شیوه‌ای که در دیگر دانش‌های بشری نیز متداول و معمول می‌نماید.

دانشوران هر علم، با متدها و ابزارهای آن علم آشنایند و در قلمرو همان شناخت و اطلاع و اعتماد، سیر علمی خویش را می‌آغازند؛ به شناخت مسائل علم مربوط، دست می‌یابند و به اکتشافات و اختراعات رو می‌آورند؛ و در یک کلام، تولید و خلاقیت ایشان، در بستر علم و آشنایی ماهرانه به متدها و ره‌آوردها، رخ می‌نماید؛ نه در وادی بیگانه از آن:

«آن دینی که با روش غیرفقاهتی به‌دست بیاید، ممکن است در جاهایی هم مصیب باشد؛ اما در جاهایی هم مخطی خواهد بود و مأمون از خطا نیست ... یک اشتباه در یک مجموعه معارف، کار را خراب می‌کند؛ چون بحث، بحث زندگی و مرگ فکری یک انسان است... اگر آن کسی که معارف و احکام اسلامی را ارائه می‌دهد و مطرح می‌کند، یک خطا و غلط در بین چندین حرف درست داشته باشد، آن خطا و غلط در مواردی، آن حرف‌های درست را می‌پوشاند و بی‌اثر می‌کند و نتیجه، عبارت از اضلال می‌باشد و نه هدایت. پس روش غیرفقاهتی در استنباط احکام و معارف اسلامی، یک روش نامطمئن است و روش نامطمئن، در مسائل حیاتی قابل‌پیمایش نیست. روش مطمئن، عبارت از روش فقاهت می‌باشد و این متد فقاهت هزار سال است که سابقه تجربه آن را داریم» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳٦٦/۱/۵) «اگر روش فقاهت را از میان بردارند، دیگر چیزی از دین باقی نمی‌ماند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷٤/۸/۱۰).

روش فهم دین، فقاهت است؛ تا جایی‌که دین بدون التزام به این روش، بقا نخواهد یافت. درنتیجه، چه در قلمرو فروع (احکام عملی) و چه در میدان‌های اصول (معارف، اخلاق و ...) مطرح می‌باشد. فقاهت، جز روش‌شناسی فهم دین، نبوده و نیست و متدهای مطرح شده، عام و فراگیرند. ازاین‌رو، ضیق شدن دایره فقه اصطلاحی به احکام شریعت، نباید بدان معنا تفسیر شود که در دیگر معارف دین می‌توان از نگرش فقاهتی فاصله گرفت و به آن متدها و ابزارها، بی‌توجهی نشان داد؛ بلکه می‌توان اظهار داشت که مصاف اصلی دو نگرش فقاهتی و غیرفقاهتی، اغلب در آن میدان‌ها، خود را می‌نمایاند.

آیت‌الله خامنه‌ای در این رابطه می‌فرمایند:

«فقاهت، به‌معنای شیوه‌های فهم اسلام، اعم‌از اصول و فروع است. اگرچه امروز مصطلحاً در حوزه‌های ما، فقه به بخش فروع اسلامی اطلاق می‌شود؛ اما فقه اسلامی، حقاً و انصافاً، شامل فروع و اصول می‌باشد. «**لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ...**» (توبه: ۱۲۲) که در قرآن هست یا «**لیت السیاط علی رئوس اصحابی حتی یتفقهوا**»[۳] (برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق: ۲۲۹). معنایش این نیست که فقط فروع دین را باید بدانند و اصول دین را هم اگر ندانستند، اشکال ندارد؛ بلکه فقط

به‌معنای دانستن اصول و فروع دین – هر دو– می‌باشد» (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵: ۲/ ۲۳٤؛ آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۲/٦؛ نک: ۱۳۷۵، ۲۳۰-۲۳٤)

بنابراین آیت‌الله خامنه‌ای به توسعه معنای فقاهت معتقدند:

«ما در باب تمام مسائل اسلامی اجتماعی و فردی معتقد به فقاهت هستیم. فقاهت یک متد است ... با این متد، معارف، احکام، اخلاقیات و اجتماعیات را از قرآن و سنت استخراج کنید. این معنای فقاهت است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳٦۵/۳/۲۷).

نظام اسلامی برای طراحی پایه‌های تمدن‌سازی نوین اسلامی، به روش‌های جدید نظریه‌پردازی نیازمند است. به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای که قائل به توسعه معنای فقاهت هستند، فقیهان نظریه‌پردازان این نظام می‌باشند:

«وقتی ما می‌گوئیم نظام اسلامی معنایش این نیست که یک عده مسلمان دور هم بنشینند، یک نظام حکومتی – هرچه شد – درست کنند. این، نظام اسلامی نیست. نظام اسلامی یعنی آن نظامی که بر مبنای ارزش‌های این مکتب بنا می‌شود ... بنایان و سازندگان این نظام، نظریه‌ها را از کجا بگیرند؟ یک عده متفکر و نظریه‌پرداز لازم است. به تعبیر فقهی و شرعی‌اش، یک عده فقیه لازم می‌باشد. اگر این فقیه نبود، آن نظام نیست» (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵: ۲/ ۲۲۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳٦٤/۸/۲۹).

در حوزه نظریه‌پردازی نظام و تمدن اسلامی، آیات قرآن کریم منبع و محور است. برای استنباط چنین نظریه‌هایی، روش فقاهت روش مورد توصیه و استفاده حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای می‌باشد.

۷-۶-۲- اهتمام به روش اجتهادی در قرآن‌پژوهی

روش فقاهتی شیوه‌ای است علمی و آزموده که در طول هزار سال از تکوین، آزمون خود را به‌درستی پس داده است. اهمیت اتخاذ و پایبندی به این روش تا جایی می‌باشد که به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای حتی پژوهش قرآنی نیز بدون دستیابی به آن غیرممکن است:

«[در] کیفیت استفاده از قرآن؛ این شیوه‌ای که علمای دین ما، فقهای ما در استفاده از آیات و روایات دارند، یک شیوه تجربه شده است، یک متد علمیِ پخته شده و رسیده و کاملاً آزموده شده است؛ این‌ها را باید فرا گرفت. نمی‌خواهم بگویم هرکس می‌خواهد پژوهش قرآنی کند، برود سال‌ها درس طلبگی بخواند؛ مراد من این نیست، اما پژوهش قرآنی بدون اینکه انسان مقدمات و مبادی فهم قرآن را که ازجمله آن‌ها همین آشنایی با زبان، آشنایی با نکات و دقائق زبان، آشنایی با بعضی از مبانی اصول فقه می‌باشد – که این‌ها جزو چیزهای لازم است -[ممکن نیست]. این‌ها را باید فهمید؛ و استفاده از روایاتی که در ذیل قرآن هست. این‌ها همه در پژوهش‌های قرآنی مؤثر است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۷/۲۸).

فرا گرفتن متد فقاهت، برای استنباط درست و قوی و عمیق از کتاب و سنت لازم می‌باشد. دستیابی به این متد جز از طریق فراگیری آن روش و طی مسیر فقه و اصول استنباط ممکن نیست، به‌تعبیر رهبر انقلاب:

«کسی بخواهد، همین مفاهیم اسلامی و قرآنی را از کتاب و سنت استنباط بکند، باید درس‌های حوزه‌ای را بلد باشد» (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵: ۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳٦۷/٦/۱۰).

«اگر می‌خواهید از قرآن استنباط کنید، این غیر تدبر در قرآن می‌باشد. تدبر در قرآن برای این است که خود شما یک چیزی از قرآن بفهمید؛ اما گاهی می‌خواهید آنچه می‌فهمید، پایه یک استدلالی فلسفی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و فلان قرار بدهید؛ یعنی یک تز درست کنید، یک فلسفه درست کنید از این فهم قرآنی خودتان، این آن وقت شرایطی دارد. باید حتماً به آدمی که فهم قرآنی دارد مراجعه کنید، حتماً باید این را درس بگیرید از او حتماً باید به کتاب‌های مربوط مراجعه کنید» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳٦۰/۱۱/۱۹).

بدین‌ترتیب معظم‌له دو دیدگاه در فهم و استفاده از قرآن را مردود می‌شمارند:

«پس قرآن را نه آن‌چنان باید دور انداخت، مانند آن‌هایی که می‌گفتند: اصلاً قرآن را نفهمید، [روی آن] فکر هم نکنید و نه این‌جور باید به‌طور مستقل و دست و پا برهنه دوید. هر دو غلط است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳٦۰/۱۱/۱۹). به متون اسلامی مراجعه کنید. واقعاً از قرآن و از سنت و از حدیث و از دعا و از متون اسلامی و از کلمات ائمه و رفتار ائمه، آن اصول و پایه‌های اصلی را اتخاذ کنید. وحی است دیگر، وحی مال خدا می‌باشد؛ خدا آفریننده من و شما است. من نمی‌گویم هرچه به‌نام دین در دهان‌ها می‌افتد آدم قبول کند؛ نه، از همان دین صحیح که با شیوه درستِ استنباط و به‌وسیله اهل و شایستگان این کار انجام می‌گیرد، استفاده شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱/۳۰).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این جستار بیان شد، به مطالب هشتگانه ذیل به‌عنوان نتایج تحقیق اشاره می‌شود:

۱- تعالیم سیاسی در آیات قرآن با توجه به اهداف قرآن کریم بی‌شمار است. مدالیل و مقاصد سیاسی قرآن به عصر حاضر نیز تعمیم می‌یابد. همچنین رخدادهای سیاسی عصر موجود با روش فهم قرآن سازگار بوده و می‌تواند فهمی که از آن استفاده می‌شود، دارای اعتبار باشد. متون تفسیری و روایی از آثار معصومان نیز نشان‌دهنده مشروعیت چنین برداشتی از قرآن می‌باشد. افزون بر فهم مبانی تفسیر سیاسی، باید به ضرورت‌های تفسیر عام نیز توجه کرد. بعضی موارد همچون ضرورت احقاق حقوق مردم در حیات سیاسی، نیازمندی مسلمانان به بهره‌مندی از آموزه‌های قرآن در جهان

امروز، دستیابی به تشریعات سیاسی قرآن برای مهندسی فکر سیاسی، مقدمات پذیرش ضرورت تفسیر سیاسی را فراهم می‌کند. مفسر سیاسی در روند فهم قرآن از ظواهر آیات بهره می‌گیرد و در تفسیر قرآن اگر به حقیقت رسید، منجز ودر صورت خبط و خطا، معذر است.

۲- منابع تفسیر سیاسی نیز در درجه نخست از قرآن کریم و سنت معصومان بهره می‌گیرد. گرچه در آثار بعضی مفسران سیاسی، منبعیت روایات کنار گذاشته می‌شود، ولیکن آنچه که در فهم قرآن مؤثر است، رجوع به منابع اصیل فهم قرآن همچون عقل و نقل است. البته نقش دانش‌های سیاسی به‌طور ویژه و علومی که ابعاد گوناگونی از مسائل سیاسی را مطرح می‌کند نیز باید در اختیار مفسر قرار گیرد. با عبور از تعیین مبنا، درباره اغراض قرآن می‌توان اهدافی برای تفسیر سیاسی بیان کرد؛ آن عبارت است از: قرب به خدا، آشنایی با نظام حقوق و وظایف سیاسی، پیروی از تعالیم الهی در حوزه سیاست، تکامل بشر، رسیدن به مرتبه لقای الهی، استحکام رابطه ایمان و عمل صالح، سعادت اخروی مهم‌ترین اهداف فهم سیاسی قرآن می‌باشد.

۳- یکی از عناصر مهم در واکاوی روش مفسر، کشف مؤلفه‌هایی است که زمینه‌ساز یا مؤثر در انتخاب آن روش می‌باشد؛ چراکه روش هر معرفت متأثر از عواملی چون موضوع و هدف معرفت است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای نیز از موضوع خود یعنی قرآن کریم و تفسیر آن تأثیر پذیرفته می‌باشد. اندیشه ضرورت بازگشت به قرآن، نبض و اساس تفکر قرآنی رهبر معظم انقلاب است. بازگشت به قرآن کریم به‌معنای حاکمیت قرآن در جوامع اسلامی و اسلامی کردن مؤلفه‌های حکومت می‌باشد. در اسلام، حکومت ابزار تربیت و تزکیه انسان و اصلاح اجتماعی است. این تربیت و اصلاح درصورتی محقق می‌شود که نظریه‌سازی حکومت اسلامی براساس قرآن کریم و منابع اسلامی و با تکیه بر روش علمی و مطمئن فقاهت و اجتهاد باشد. این راه درصورتی هموار و استوار می‌شود که پژوهشگران و مفسران قرآن با دقت و عمق‌یابی اصولی قرآن کریم و با پایبندی به این روش، معارف قرآن را تبیین و تفسیر و ارائه کنند. می‌توان گفت ضرورت آموزش علوم قرآنی و تفسیر در اندیشه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای نیز از همین منظر می‌باشد.

٤- از نظر رهبر انقلاب اسلامی غرض نهایی انقلاب شکوهمند ایران نیل به تمدن اسلامی در یک فرایند منطقی است. در شکل‌گیری و سامان یافتن چنین تمدنی، بُعد فرهنگی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. از نظرگاه او ساحت فرهنگی بر پایه چهار رکن علم، اخلاق، دین و عقلانیت استوار شده است. برای آنکه چنین تمدنی شکل گیرد، باید ارکان مزبور در جامعه به‌طور مستمر فعالیت داشته باشد و الا حتی اگر تمدنی هم شکل گیرد، در نهایت ناپایدار می‌باشد. حاکمیت معنا

و معنویت بر جامعه اسلامی در نگاه رهبری، ستون بنیادین استراتژی فرهنگی و سازنده تمدن به‌حساب می‌آید.

۵- جامعیت در افکار آیت‌الله خامنه‌ای مجموعه‌ای منسجم و مرتبط از معارف اسلامی در موضوعات سیاسی و اجتماعی را فراهم آورده است. بر این پایه اندیشه سیاسی- اجتماعی ایشان فهمی عمیق‌تر به مخاطبان خود داده است. آیت‌الله خامنه‌ای ازجمله احیاگران دینی می‌باشد که با بهره‌مندی از مطالعات اسلامی به مثابه پایه و اندیشه‌ای خویش، عمل کرده است. در مسائل معرفت- شناسی اسلامی، ضمن تبعیت از وحی الهی، جایگاه عقل بشری نادیده گرفته نمی‌شود؛ همچنان‌که محدود به عالم حس و تجربه نبوده و استمداد از این ابزارها، شناخت دقیق‌تری از رخدادهای سیاسی و اجتماعی به ایشان داده است. با این وصف، آیت‌الله خامنه‌ای ضمن توجه به قوای عقل، حس و غریزه، باور دارند تنها نیروی وحی و هدایت الهی می‌باشد که در این باره راهگشا است. البته نباید عقل و حس و غریزه را سرکوب کرد و در برابر آن ایستاد؛ بلکه این نیروها باید در جریان صحیح خود قرار گیرد و تعدیل شود. ایشان باور دارد انسانیت یک انسان با تکیه بر مبدأ و با هدایت راهنمایان الهی می‌تواند به نقطه اوج خود برسد و با تکیه بر عقل و تجربه می‌توان این مسیر را به سهولت پیمود و بدون آن، عبور از این مسائل ناممکن است.

٦- آیت‌الله خامنه‌ای باور دارند سطح فکر و اندیشه بشر با تکیه بر معارف الهی ترقی پیدا می‌کند و به آن عمق و ژرفا می‌بخشد. با وجود این، همان‌طور که اندیشه سیاسی- اجتماعی ایشان با محوریت درکی عمیق‌تر از تعالیم اسلامی مورد توجه می‌باشد، وی در علوم سیاسی نیز روش تفسیر قرآنی خود را با تکیه بر منابع اصیل فهم قرآن طی کرده است. او در استمداد از سنت‌های الهی ازجمله قوانینی که در جوامع بشری توسط خدای سبحان ساری و جاری می‌باشد، به‌صورت تطبیق- پذیری از آن استفاده می‌کند. این روند به‌شکلی است که از تدبر در قرآن شروع می‌شود و با توجه به مجموعه نکاتی از آن دسته آیات آن را به واقعیت تاریخی تطبیق می‌دهد. آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان ازجمله آغازگران اندیشه اسلامی دانست که باور دارد اراده خدا جز در علل طبیعی جلوه‌گری نمی‌کند و هر آنچه دین در گذشته بیان کرده، با عبور زمان ثابت می‌شود.

۷- برای نیل به فهم نوین و روزآمدی از قرآن، توجه به روش‌های جدید ضروری است. مادامی‌که روش تغییر نکند، فهم نوینی از متون مقدس به‌دست نمی‌آید. با تغییر روش‌های سنتی دین‌پژوهی، توجه به تفسیر سیاسی قرآن ضرورت پیدا کرده است. این روش جدید قرآن‌پژوهی به ساماندهی سبک فکری در جامعه اسلامی می‌انجامد. ثمره عملی آن، افزایش سرمایه اجتماعی، رأفت اسلامی، مدارا و امید در بستر جامعه می‌باشد و همچنین در عرصه سیاست خارجی، می‌تواند به صلح و هم‌زیستی تأکید

کند. حکومت در جامعه ایران، اسلام است و قرآن شاخص‌ترین منبع برای تعالی انسان‌ها به‌حساب می‌آید و توسعه منطقی و همه‌جانبه جز با برداشت‌های سیاسی عقلانی رخ نمی‌دهد.

امکان دارد چنین به‌نظر آید رهبر حکیم انقلاب اسلامی، با نگاه سیاسی به تفسیر قرآن پرداخته‌اند. از یک نظر این مطلب چنین می‌نماید که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ابتدا یک چهارچوب ذهنی پیدا کردند و سپس در همان چهارچوب، آیات قرآن را فهم کرده‌اند و این مطلب می‌تواند زمینه شبهه تحمیل رأی به قرآن را فراهم کند؛ درحالی‌که با توجه شود آنچه از مجموع بیانات معظم‌له استنباط می‌شود، این است که آن‌چه از مباحث سیاسی و اجتماعی که ایشان در تبیین آیات مطرح کرده‌اند، نه حاصل نگاه سیاسی ایشان به قرآن، بلکه کاملاً دلالت‌های خود قرآن است و این اتفاقاً ظرفیت تدبّر را نشان می‌دهد که می‌توان بدون تفسیر به رأی، نظر خود قرآن را کشف کرد.

۸- از نظر رهبر انقلاب اسلامی، آیات سیاسی در قرآن بر پایه دخالت دین در سیاست استوار شده است. نظام خاص سیاسی در قرآن کریم بر پایه ولایت خدا و پیروی از او، رسول خدا و اولی الامر نهادینه شده و این معرف توجه ویژه قرآن به رهبران جامعه می‌باشد. مبانی تفسیر سیاسی در قرآن از نگاه مقام معظم رهبری بر پایه فرمانروایی مطلق خدا، تفکیک‌ناپذیری سیاست از دین، تأثیر مبانی کلامی در برداشت از آیات قرآن، پی‌ریزی شده است. ایشان با استفاده از روش اجتهادی با عنایت به تلقی‌های قرآنی، حدیثی، فقهی و کلامی به تبیین وضع موجود و ارائه الگو برای حل مشکلات می‌پردازد. البته توجه به تاریخ و سنت‌های الهی حاکم بر جامعه و کاشتن نور امید و روشنایی در دل مردم مستضعف، از نظرات تفسیر سیاسی وی دور نمانده است.

پی‌نوشت‌ها

۱- با تدبر در قرآن، بررسی همه‌جانبه مفاهیم آیات با توجه به دیگر آیات مشابه آن‌ها براساس تفکر، تعلق و تأمل عمیق است. که لازمه‌ی چنین امری، پرهیز از هرگونه یکسویه‌نگری و جزم‌اندیشی تقلیدگرانه می‌باشد. بنابراین اظهارنظرهای بدون دلیل و تعصب‌ورزی بر یافته‌های تقلیدی بدون پشتوانه‌ی برهان، و تحمیل آرای سطحی منهای منطق صحیح بر قرآن، همگی اموری برخلاف تدبر حساب می‌آیند «بینات».

۲- منزلت تدبر در قرآن در نظام معرفت و تربیت بدنی از دیدگاه علامه طباطبایی و شاگردان.

۳- أَحْمَدُ بْنُ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنا عَنْ عَلِیّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع یَقُولُ لَیْتَ السّیَاطُ عَلَی رُءُوسِ أَصْحَابِی حَتّی یَتَفَقَّهُوا فِی الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ.

منابع

فارسی

- قران کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن فارس، احمدبن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغه. تحقیق: عبدالسلام محمد هارون. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۳۷۵). لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- ابن‌سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق). المحکم و المحیط الاعظم. محقق عبدالحمید هنداوی. بیروت: دارکتب العلمیه.
- امرائی، حسن (۱۳۸۸). مهندسی سیاست. تهران: شوکا.
- ایازی، محمدعلی (۱۳۸۰). جامعیت قرآن. رشت: کتاب مبین.
- ایزدی مبارکه، کامران (۱۳۷۶). شروط و آداب تفسیر و مفسر. تهران: امیر کبیر، به نقل از سیوطی. معترک الاقران فی اعجاز القرآن .
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). المحاسن. تحقیق و تصحیح: جلال الدین محدث. قم: دار الکتب الإسلامیه.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۰). روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی. قم: کتاب فردا.
- الجوهری، اسماعیل بن حمار (۱۳۶۹). الصحاح. بی‌جا. امیری.
- حسنی، ابوالحسن و جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۳). مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حسینی فیروزآبادی، مرتضی. فضائل الخمسه من الصحاح السته. تصحیح: محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه. بی‌تا. به نقل از: مسند الامام احمد بن حنبل. ج۶. ص ۱۶۳.
- خامنه ای، سید علی (۱۴۱۵ق). الفکرالاصیل. بیروت: دارالهادی.
- خامنه ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با قرآن‌پژوهان حوزه علمیه قم، به نقل از مدیریت مطالعات معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. نقشه راه: مروی بر منویات حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) پیرامون انس عمومی با قرآن کریم. بی‌نا. اول: تهران.
- خامنه ای، سیدعلی. بیانات در دیدارها. سال های ۱۳۶۸- ۱۴۰۰ هجری شمسی.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۷۵). دفتر مقام معظم رهبری. حوزه و روحانیت در آئینه رهنمودهای مقام معظم رهبری. ج۲. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، اول.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۸۶). قران کتاب زندگی در آئینه نگاه رهبر معظم انقلاب. تهران: قدرولایت.
- خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۶۴). تفسیر و تفاسیر جدید. بی‌جا. کیهان.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲). مفردات الفاظ قرآن. مصحح: صفوان عدنان داوودی. بیروت: دارالقلم.
- زارعی، محمود (۱۳۹۴). حکومت قرآن. با اشراف علمی محمدرضا طاهری. قم: نشر آیه نور.
- سیدباقری (۱۳۹۴). قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- صاحب جواهر، محمدحسین بن باقر (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. محقق: جعفربن حسن حلی. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۶۹). سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن. بی‌جا. مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- طباطبایی، جواد (۱۳۹۶). زوال اندیشه سیاسی در ایران. تهران: مینوی خرد.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق). إعلام الوری بأعلام الهدی. محقق: مؤسسه آل‌البیت، قم: آل البیت.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۰ق). مجمع‌البیان لعلوم القرآن. بیروت: دارالمصطفی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مکتبه المرتضویه.
- عابدی، محمد (۱۳۹۶). مبانی فلسفه علمی تفسیر سیاسی. مجله معرفت سیاسی.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغه. محقق: لجنه إحیاء التراث العربی. بیروت: دارالآفاق الجدیده.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۶). فقه سیاسی: نظام سیاسی و رهبری در اسلام. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). العین. قم: موسسه دارالهجره.
- فروند، ژولین (۱۳۸۴). سیاست چیست؟ ترجمه: عبدالوهاب احمدی. تهران: آگه.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۴ق). تاج العروس. محقق: علی شیری. بیروت: دار الفکر.
- فیومی، احمدبن محمد (۱۴۱۴ق). مصباح المنیر، قم: مؤسسه دارالهجره.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۹۱). اصول کافی. مترجم: داود روحانی معین. قم: بهار دلها.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). حقوق و سیاست در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، مرکز انتشارات.
- مودب، رضا (۱۳۹۶). «نظام‌سازی در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای». مطالعات قرآن و حدیث. شماره ۱. صفحه ۱۵۷.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷).الغیبه نعمانی. مصحح علی اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق.
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۷۹). نظام سیاسی اسلام. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ ۱۰.
- ولایی، عیسی (۱۳۹۵). مبانی سیاست در اسلام. تهران: خرسندی. چاپ ۲.
- یوسفی اشکوری، حسن. دانشنامه قرآن.

سایت ها:

- https://farsi.khamenei.ir
- واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۵). بی‌جا، بی‌نا.